

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۶ صفحه

۶۸

# پیکار

په ۲۰۰۰ روال

سال دوم - دوشنبه ۲۷ مرداد ۱۳۵۹

## در صفحات دیگر این شماره:

- ۱۶ صفحه یاد رفیق پیکارگر مسلم خلیج گرامی باد
- ۷ صفحه تهاجم گسترده ارتجاع به نیروهای انقلابی و مردم مبارز رشت
- ۱۳ صفحه آئینه زنده هنر برابر توفان انقلاب (۱)
- مصاحبه با رفیق تراب حق شناس پیرامون یاوه‌های
- ۹ صفحه شیخ محمد منتظری (۲)
- ۷ داستان "سبغه تراشی" و خداشناس شدن چه‌گوارا در تلویزیون صفحه

## ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ روز فتوای آیت الله خمینی برای یورش به کردستان

هجوم به آزادی‌های دمکراتیک که بیش در آمد یورش به کردستان بود با فتوای آیت الله خمینی منتهی بر حمله به کردستان در روز ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ کا ملت رکشت .

صفحه ۵

## «قانون شوراهای اسلامی» «قانون» یورش به شوراهای واقعی

صفحه ۳

## ترور پیکارگران در بند بدست رژیم جمهوری اسلامی



چند روز قبل، دو تن از رفقای پیکارگر بنامهای مسعود مالچی راد (دا نشجوی سال چهارم دانشکده پزشکی تبریز) و طبیب نجم‌الدینی که هر دو عضو تشکیلات دانشجویان و دانش آموزان هوادار سازمان بوده و از ۱۳۲۰ مرداد مجرم بخش اعلامیه در زندان رژیم جمهوری اسلامی بسر میبردند، بدست زندانبانان رژیم درسیا با نهایی اطراف تبریز بطرز وحشیانه‌ای به شهادت رسیدند، ترور انقلابیون و بویژه کمونیستها یکی از سیوهای شناخته شده است که رژیم‌های ارتجاعی در مقابل جنبش انقلابی خلقها بکار میبرند. در ایران نیز چند روزمان تا هخامنش و چاه امروز (در رژیم جمهوری اسلامی) بارها با این شیوه فرزندان دلیر خلق به شهادت رسیده‌اند. بقیه در صفحه ۲

## سازش موقت نگاهی به سازش‌شکننده دوجناح حکومت بر سر انتخاب نخست وزیر

هفته پیش ظاهراً با پیشنهادی صدر و تا حد مجلس رجایی به نخست وزیری جمهوری اسلامی برگزیده شد و تلاش خود را برای تشکیل کابینه آغاز نمود. انتخاب رجایی بعنوان نخست وزیر و سرکردن مسئولیت دولت به او و پس از چندین ماه کشمکش درونی و بیرونی میان جناحهای حکومت میخواهند گوسه‌های از اختلافات داخلی را کمیت را نشان دهد. اختلافات درونی حاکیست که بستر استرا و جگیری مبارزات انقلابی و فدا صبر بالیستی شده‌ها شکل بقیه در صفحه ۲

## رویداد ۲۸ مرداد بار دیگر دو درس اساسی مبارزه پرولتاریایی را ثابت کرد:

- ۱- در عصر امپریالیسم تنها با رهبری طبقه کارگر میتوان بر ارتجاع و امپریالیسم پیروز گشت!
- ۲- برای این پیروزی و حفظ دستاوردهای آن باید خلق را مسلح کرد!



## اعتصاب کارگری در لهستان جلوه‌ای از مبارزه بر علیه استثمار در کشورهای روزیونیستی

صفحه ۸

## تداوم بحران موجود همچنان گسترده و عمیق تر میشود رژیم میخواهد با سیاستهای بورژوازی به بحرانی که خود ذاتی سرمایه‌داری است پایان بخشد!

هیات حاکمه در مدت ۱۷ ماه بعد از قیام نموده‌ها نتوانسته است اوضاع را تثبیت نماید. این امر ناشی از بحران عمیق اقتصادی - اجتماعی و سیاسی است که در دو سال گذشته بیوسته ادامه داشته و در مقطعی از تداوم خویش با قیام سکو هستند و همه رژیم‌پوسیده پهلوی را به زباله‌دانی تاریخ سپرد. این بحران که ریشه در سیستم سرمایه‌داری وابسته دارد با سرنگونی رژیم دست نشانده پهلوی پایان نپذیرفت و با افت و خیزهایی که گاه آنرا در مقطعی حل قطعی این بحران که خود را بشکل گرانی روز - افزون اجناس، تورم و بی‌بهره‌بوسی، بقیه در صفحه ۱۲

## مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱

سازش ...

گرفته و هر روز با تعدادی از آن عیان ترمیشود ، هیئت حاکمه ضد خلقی ایران را بیش از هر زمان دیگر نتوان و متزلزل ساخته است ، نتوان بدگسایط سرکوب توده ها و متزلزل به لحاظ فقدان انجام درونی جناح های حاکمیت جعلگی خود به این واقعیت آگاه می دارند لیکن در عین حال قادر به بیان دادن بستان نیستند ، جمهوری اسلامی ایران هرگز قادر به تثبیت خود نخواهد شد ، زیرا جنبش انقلابی خلق هر روز بیشتر اوج میگیرد و رژیم را تحت فشار قرار میدهد ، اکنون دورانی فرار رسیده است که لیبرالها مورد تهاجم جناح جمهوری اسلامی قرار گرفته و مهره های آنها ، اینجا و آنجا قدرت اجرایی خود را از دست میدهند ، هر کدام از آنها که از جانب "حزب" مورد تهاجم واقع میشوند ، به افشای جناح مقابل پرداخته و در این رهگذر تهاجم خواسته جنایات کل حکومت را بر ملایم سازند ، آنها تقصیرها را به گردن یکدیگر می اندازند تا آب تظلم بر آید ، عسکال جناحها را نشان ریخته شود ولی این توده ها هستند که در می یابند حکومتگران نشان چه کسانی بوده اند ، چه در یکی دو هفته گذشته "برگ برنده های" برای کوبیدن رقیب در دست این یا آن جناح نبوده است تا آنرا بر زمین زند ، اما واقعیت حاکی از آن است که این جنگ قدرت آرا متغیر نشده است ، هر چه این جناح را رقیبی نداشته باشد ، بنی صدر با اجرای مفاخرتها و سخنرانی های متعدد با تمام قوا میگوید توده ها را بیخود خود بسیج کند ، و عوام مغربها نشان "جمهوری خدائی" علم کرده است و آنرا علیه حزب بکار میگیرد : "آنها نمی کنند قدرت هستند میخواهند زور را تقدیس کنند و زور را مقدس کردن زور اعتراض به حاکمیت زور را غیر ممکن بگردانند و در نتیجه ما برگردیم به یک شیوه حکومتی استبدادی" (سخنرانی بنی صدر در مسجد الجواد ، اطلاعات ۱۹ مرداد)

به لحاظ حدت همین تضاد بود که کوششهای جدید ماهه بنی صدر برای تشکیل دولتی مرکب از لیبرالهای طرفدار خود به نتیجه نرسید و با لایحه ها حمل اختلافات "حزب" با بنی صدر منجر به انتخاب نخست وزیری رجائی گردید ، در واقع رجائی به بنی صدر تحمیل گردید و این دو جناح حکومت بر سه قاع انتخاب رجائی به سازش رسیدند ، رجائی هنا نظور که سابقه اش نشان داده است "لیاقت" و "عرفه" دارد حکومت را بویژه در شرایط چنین بحرانی به هیچ وجه ندارد ، این فرد بهره طلب "خط امام" یا حزب جمهوری اسلامی بوده و خواهد بود ، نمونه عملکردهای این عنصر را در دوران تصدی بستان وزارت آموزش و پرورش دیده ایم ، او به شدیدترین وجهی ، مصلحت انقلابی را سرکوب و اخراج نموده آموزش و پرورش کردستان را منحل کرد ، محیط خفقان و سرکوب را در دبیرستان ها و آموزشگاهها بوجود آورد ... از نمونه های "خدمت" این عنصر به حکومت و دشمنی اش با انقلاب و توده ها است ، علاوه بر آن او در اولین سخنرانی های خود در دفاع ارتجاعی از سرما به داران جنس گفت :

"دولت آینده با به داران سرما به داران بزرگ خواهد بود که در اعمال خود تجدید نظر کنند" (اطلاعات چهارشنبه ۲۲ مرداد)

بدین ترتیب حزب جمهوری اسلامی غیبا زد و قوه مقتنه وقتا شبه قوه مجریه هم قدرت یافته است ، از سوی دیگر انگیزه ای که بنی صدر را به معرفی رجائی بعنوان نخست وزیر به مجلس کشاند صرف نظرا ز فشار حزب جمهوری اسلامی ، مسئله موقعیت رجائی و امکان "سر عقل" شدن او بود و در واقع بنی صدر را میخورد از نیز به همین مسئله بسته است ، رجائی در هنگام سخنرانی خود در مجلس بنی صدر را برادر خود نامید و از امکان ایجاد "تفاهم" با بنی صدر سخن به میان آورد ، بیعتی سردمدار حزب جمهوری اسلامی نیز پس از انتخاب رجائی ، از آینده کار او اظهار امیدواری نمود (جمهوری اسلامی ، ۲۳ مرداد) و جالب است که در همان شماره روزنامه سرمقاله ای چاپ شده بود ("کست در دست هم نینیم" مهر) که از ایجاد تفاهم بین بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی سخن گفته بود ، و هشدار داده بود که اختلاف در "بالا" نینفع "فدا انقلاب" است .

اما همانطور که قبلا گفتیم این "وحدت طلبی" ها و "سازشها" گونا گونا گند و گذرا است و دو جناح نیز خود به این واقعیت آگاه می دارند ، بنی صدر رجائی را در هنگام معرفی به مجلس بعنوان فردی که مجلس به وی اظهار رضایل کرده است معرفی نموده است و به بعنوان شخصی که خود معرفی نموده باشد ، بدین ترتیب این بیان (که مجلس نیز با لایحه آنرا پذیرفت) بطور تلویحی بیان نگارین امر است که بنی صدر مسئولیت دولت و نخست وزیری را به عهده نگرفته است و نمیتواند از خود در مقابل اعمال رجائی سلب مسئولیت نماید ، آیا دولت رجائی خواهد توانست دوام بیاورد و "سازش" را به سرانجام برساند ؟ از نظرم چنین چیزی غیر محتمل بنظر میرسد ، اولاً سازش دو جناح همانطور که گفتیم بسیار شکننده است و در آینده مجدداً امروز خواهد نمود ، ثانیاً ، رجائی فردی است بی کفایت که قادر نیست لا اقل کارهای شهری را چون بازگمان و بیعتی ... را داشته باشد ، ثالثاً او همه مهمترین - اندازنده مسائل زده طبقاتی است ، همانطور که در گذشته دیده ایم و جگیری مبارزات توده ها چنانچه تیرمگرانی بر روی توده های درونی هیئت حاکمه میگذارد ، با رفتار دولت موقت شاهان بوده ایم که مهره های حکومتی چگونه در حال تغییر و تحول بوده اند ، این امر بدون شک در دولت آینده نیز تکرار خواهد شد و شکنندگی سیاسی کابینه را ایضا تشدید خواهد نمود .

بقیه از صفحه ۱ پیکارگران ...

بیاد آوریم روزها بی راکه سنگرش خیا با نهاد و کوجهای تهران و شهرستانها از خون پاک انقلابیون جان برکفی که بدست ما موران جلدنا واک ترور شده بودند گلگون می گشت !

بیاد آوریم رفقای فدائی و برادران مجاهدیک پس از سالها با رت از گوشه سیاهای رژیم به تپه های اوین برده شده و در آنجا ترور شدند !

بیاد آوریم رفقا حسن آلا دیوش ، محبوبه متحذین ، لیلای سردیان و ... که در خیابانهای تهران بدست جلادان ساواک ترور شدند .

بیاد آوریم فدائی و مجاهد خلق را که با همین شیوه بدست دژخیمان شاه خائن خون پاکشان بر زمین ریختند و امروز در رژیم جمهوری اسلامی .

بیاد آوریم رفیق نامرتوبقیان را که تا جوان - مردانه در نظرها ت پیکاران اصفهان از پشت سر داف گلبله میزد دوران رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفت ، و بیاد آوریم رفقا تاج ، مختوم ، واحدی ، جرجانی فرزندان دلاور خلقی ترکمن را که از زندان اوین به حاج محسن رفیق دوست ، رئیس کمیته سلطنت آباد تحویل داده شدند و جسدشان بین راه گرگان - مشهد بدست آمد !

بیاد آوریم تروریست فرجاً مدکترجن برفرزند مبارز خلق بلوچ را که از توطئه ای بدست با سداران طرح ریزی شده بود ، جان سالم بدر برد و آتراً افشا نمود .

و بیاد آوریم دهها کمونیست و انقلابی را که در این رژیم و با همین شیوه به تهاوت رسیدند .

و امروز تازه ترین نمونه ...

آری رفقای پیکارگر که قلبشان به عشق رها بی رحمتکشان سی طیب "بحرم" بخش اعلامیه توسط عوامل رژیم جمهوری اسلامی دستگیر و پس از چند هفته سارت به بیابانهای اطراف تبریز برده شده و بطور بسیار وحشیانه ترور میشوند .

موظفان مبارز این عمل فاشیستی زمانی صورت میگیرد که فشار ارتجاع بر نیروهای انقلابی ، از جمله سازمان مادر سرا بران شدت گرفته است .

رفقای ما را در شمال ، تبریز و بویژه جنوب دستگیر و به بدترین وجهی مورد شکنجه و آزار قرار میدهند ، بقیه در صفحه ۳

رفقا!

- با تلاش هر چه بیشتر پیکار
- را پخش کنید .
- با هر امکانی که دارید تمام
- یا برخی مقالات و مطالب
- پیکار را تکثیر و پخش
- نمایید .



رجائی ، عامل حزب جمهوری اسلامی برادر لیبرالهاست

# جنبش کارگری



## "قانون شوراهای اسلامی"

### "قانون" یورش به شوراهای واقعی

پیش از ۱۷ ماه از قیام خونین خلقهای قهرمان ایران میگذرد، ۱۷ ماهی که شرار از مبارزات حق طلبانه کارگران، زحمتکشان و خلقها علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی است، رژیم جمهوری اسلامی که حافظ منافع سرمایه داری وابسته است و استقرار و تثبیت خود را در سرکوب مبارزات خلقها و در سانس آن طبقه کارگری بیند، در این مدت بوضوح چهره ضد خلقی و کریه خود را به نمایش گذاشته است. به بند کشیدن کارگر، ان مبارز و انقلابی، اعدای و حشای نه انقلابیون کمونیست، کشتار بیشتر ما نه خلقها و... شیوه‌هایی است که رژیم برای نابودسازی دستاوردهای قیام زان سود برده است.

شوراها، سندیکاها و... از جمله دستاوردهای اصلی قیام بودند که مینمایند به سدی عظیم در برابر اهداف ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی قرار داده شده و راه توده‌ها را اعمال میگرداند، رژیم که از زمان ابتدا این موضوع را بویوبی درک کرده بود، در پی آن بود که در اولیسن فرصت تیشه خون آلود خود را بر پیشانی دستاوردهای قیام توده‌ها فرود آورد. کارنامه سنگین جمهوری اسلامی در یکسال و نیم گذشته بیانگر تهاجم و توطئه‌های بیشتر است علیه کارگران، زحمتکشان و خلقها که امروز با شدت بیشتری گسترش یافته است. رژیم تا آنجا که می - شود از سلاح قانون که همان قانون سرمایه است استفاده میکند، قانونی که مانند قتل و تجزیر برای کارگران و

زحمتکشان است و آنجا که این سلاح بر زندگی کافعی ندارد، از توطئه و ناسمج و مسلسل آمریکا می استفاده می نماید. وسیله‌های سبتر زحمتکشان را هدف گلوله قرار میدهد، به این امید بود که تا بدین تهاجم بر حرکت توفنده توده‌های انقلابی به رهبری طبقه کارگر سدی بوجود نیاید.

لا محاله قانونی شوراهای اسلامی کارکنان موسسات و کارخانجات، توطئه مودیانه دیگری است علیه کارگران و زحمتکشان میهن ما. رژیم میکوشد تا شوراهای کارگاه خودخواهان است بر کارگران تحمیل کند، تا شاید از "شر" مزاحمتی شوراهای واقعی که دست سرمایه داران و دولت حافظ آنها را در پوست گردو میگذارد رنج راحت شوند، رژیم خواهان چنان شورایی است که اوامر سرمایه داران و دولت حامی آنها را موبه موبدون کم و کاست اجرا نماید و کارگران را تبدیل به برده‌های مطیع و فرمانبردار نماید تا برای بهره‌کشی و استثمار هر چه بیشتر آنها ده شوند. اما طرح کردن چنین اهداف خیانتکارانه‌ای با همین صراحت و روشنی بخصوص با توجه به سطح آگاهی کارگران عملی است که فقط از یک دیوانه برمی آید و شرط عقل نیست، باید این تهاجم را دریاچه زربانت بیچید تا بیننده در رنگاه اول مشتم نشود. ما بقیه در صفحه ۱۰

### مبارزه کارگران موقت شرکت نفتی ریمینکو

در هفته اول مرداد ماه کارگران موقت شرکت ریمینکو (۱) که بیش از ۲۰ نفر هستند و مورد تفتیقات شدیدی نسبت به سایر کارگران قرار دارند، پس از بحث و گفتگو با یکدیگر خواهستهای خود را تنظیم کرده و برای هیئت مدیره شرکت میفرستند. کارگران در این نامه متذکر میشوند که اگر تا ۱۵ روز دیگر کارفرما خواهستهای آنها را برآورده نکند، دست به اقدام اعتراضی شدید - شری خواهند زد. برخی از خواهستهای آنها عبارتست از:

- ۱ - در برابر هر ۴ روز کار، یک هفته مرخصی، (بعلت شرایط سخت و طاقت فرسای محیط کار)
- ۲ - جیره خواروبار (در این شرکت جیره خواروبار تنها به کارگران رسمی تعلق میگیرد)
- ۳ - غذا و مسکن
- ۴ - عائله بندی (حق اولاد)، (در حال حاضر حق اولاد تنها به کارگران رسمی تعلق میگیرد)
- ۵ - .....

(۱) - شرکت نفتی ریمینکو در جزیره لاوان قرار دارد و در جهت استخراج نفت از جاهای دریایی نفتی فعالیت میکند.

### اخراج کارگران مبارز کارخانه کاشی اصفهان

چندی پیش انجمن اسلامی کارخانه کاشی اصفهان که به تازگی تشکیل شده است می نزدیک به ۳۳ نفر از کارگران مبارزان کارخانه را در اختیار داشته و با مصاحبه انقلاب نجف آباد قرار میدهد تا شامل "با کاشی" شوند. ده دگانه نیز به تدریج این کارگران را احضار کرده تا به محاکمه بکشند!

جالب توجه اینکه عنا مشتمل بر تشکیل دهنده انجمن اسلامی این کارخانه همان کسانی هستند که چند ماه پیش کارگران بعلت عملکردهای ضد کارگری آنها در اعتصاب چند ماهه خود خواستار تصفیه آنها بودند که ضمن آن فرماندار نجف آباد دو سیاهپاداران به کارگران قول میدهند که عنا مشتمل بر این اخراج کنند. اما ۲ روز بعد تحت حمایت سیاهپاداران به کارخانه بازگردانده میشوند و همان کتون با تشکیل انجمن اسلامی علیه کارگران مبارز توطئه میکنند و در این زمینه از حمایت کامل سیاهپاداران و ده دگانه - های انقلاب برخوردارند!

بقیه در صفحه ۲

### بیکارگران...

رفقای قهرمان ما! خدمت‌مندی و مهدی علوی شوشتری در جنوب به دلایل بسیار واهی (برتاب سنگ) به جوخه‌های اعدا مسپرده میشوند، و...

این اعمال فاشیستی رژیم ضد خلقی حاکم گذشته از آنکه دشمنی عمیق او را با انقلابیون و بویژه کمونیستها نشان میدهد، ضعف و استیصال وی را در مقابل بله‌سنا او جگربری روزافزون جنبش توده‌ها به نمایش میگذارد. ماجزایات این جنایت هولناک و چهره سنگ - آلود جنایتکاران شناخته شده آژانس را در آینده با اطلاع خلقهای قهرمان ایران خواهیم رساند.

### در کارخانه چیت ممتاز

### کارگر دیگری قربانی بیپسندم سرمایه داری شد!

پس از چند تا نیه دست کارگران که تا زهم عروسی کرده بود مثل گوشتی که در چرخ گوشت انداخته با شنی همراه هینبه‌ها حلاجی شده و بیرون می آید. همکاران این کارگر جوان به کمک اومی شنا بند. (البته به علت سرو صدای زیاد ما شنیده تا مدتی ملتفت این موضوع نمیشوند) پس از اینکه ورا از لای دستگاه بیرون می آورند به داد زهیمه که در جوار کارخانه است میریزند دکتر پس از دیدن جوان کارگر بیوش به همراهان او میگوید: "بروید دستش را بیاورید!". که یکی از همراهان کارگر با نا راختی فراوان میگوید: "کدام دست؟ دستي که مثل گوشت چرخ کرده چرخ شده است؟"

از محل حادثه تا در خروجی سالن که حدود ۳۰ تا ۴۰ بقیه در صفحه ۴

گزارش زیر را که نمایانگر کوششهای از دستم - استثمار و خبیانه‌ای است. که در شرایط حاکمیت سرمایه داری وابسته بر کارگران و زحمتکشان ایران روا میشود، یکی از کارگران مبارزان کارخانه چیت ممتاز برای بیکار فرستاده که ما قسمتهاي از آنرا عینا در اینجا درج میکنیم.

"در تاریخ ۵۹/۵/۱۹. متعددی قسمت حلاجی کارگر جوانی را که تا زه استفاده شده بود روی دستگاه حلاجی گذاشت تا به جای یک کارگر ما حرکت ۱۰ تا ۱۵ سال سابقه و تجربه داردا ردا کند. کارگر جوان وقتی که ما شن گیر نمکند، با اینکه از وضعیت ما شن حلاجی خبر نداشتی می کند که آنرا را به بندازد. اما دستش لای نورد گیر میکند. روی نورد مثل این است که صیخ حسابنده ای،

## پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



بقیه از صفحه ۳

در کارخانه ...

متر میشد مثل اینکه با سطل آب بریزی خون ریخته بود پس از این حادثه کارگران دسته دسته و با قیافه های بهت زده به دیدن منظره میامدند و دنیا بی اثرشوال را در جلوی چشم خود میدیدند، برآستی تا کی کارگران با دیده چا رنجین حادثه ها می بشوند؟ کارگری فریاد میزد:

"من ۱۵ سال سابقه کار دارم، هرکاری کرده اند سزاین ماشین کار نکردم، چون خیلی خطر داره..."

کارگر دیگری داد میزد:  
"با سابقه که تجربه هم دارم بیشترند روی این ماشین کارکنند، این جور ماشینها مثل سنگ هار میمانند، خیلی سریع یک جای بدن را میگیرند و مثل کوسه بقیه بدن را میبلعند، چندسال پیش کارگری موهای سرش گیر می کند و می رود لای نوردهای آن خوراکی ما مین شده، اوج کرده است از آن طرف بیرون میاید، تا حالا این ماشینها چندین بار رفا چه بنا آورده اند، آخر کار ما مردم در... این کارگر جوان تا زده او را روی این دستگاه گذاشته و بین بلا را سزاین بدبخت آورده است؟"

کارگران همه غمزه میبودند، همه در فکر فرو رفته بودند و میگفتند... بخاطر اینکه دولت و سرما به داران سود بیشتری بدست آورند و سطل ایمنی مخصوص این ماشین استفاده نمیکنند... (سرما به داران شکم گنده و سطل ایمنی دستگاه را با زمین میکنند، ماشین تولید بیشتری کند و درآمد کارش بیشتر شود، تا سود بیشتری به جیب بزند... بخاطر اینکه ماشین حلاجی ۲ ساعت نخواهد بود و تولید عقب نمیآید، کارگر جوان را روی آن گذاشته اند که باعث قطع دست و پا آن رنجش شد! ... آخر ما تا کی باید شاهد چینی صحنه های کشنده ای باشیم؟" کارگران زیادی جمع شده بودند در این میان ناگهان یکی از سرپرستان گفت: "باید بریند سر کارتان مگه چی شده؟... که با اعتراض کارگران روبرو شد، یکی از کارگران گفت "مگه چی شده؟ دیگه میخواستی چی بپوش؟ دستت یک کارگر جوان قطع شده اونوقت سومی برسی چی شده؟ این برای تو ا همیشگی نذاره؟ همین شما منمدی ها و سرپرستان مقصد کسبه کارگران را سردستگاهانی میگذارید که وارد نیستند سرپرست وقتی که دید کارگران در جلوی او ایستاده اند مثل موش توی سوراخی خزید و گفت: "اعلا به من چه..."

برآستی ما تا کی باید شاهد چنین صحنه های وحشتناکی باشیم؟ تا زمانی که ما معرمان به داری است و سرما به داران رو جود داره و حکومت در دست آنان است ما باید شاهد اینگونه حوادث باشیم، سرما به داران اینک سود بیشتری ببرد و سطل ایمنی را روی دستگاه نمیگذارد تا تولید بیشتری داشته باشد و کارگران را بسنه اما فعاری او میدارد، فقط در حکومت کارگری است که کارگران دیگر در چنین حوادثی نمیشوند زیرا در حکومت کارگران فشار به کارگر نمی آید، کارگر برای تامین مخارج زندگی خود مجبور نیست ۲ تا ۳ ساعت امانه کار میکند که در آخرش تنگی کار رود، چارسانحه شود، پس بگویم و با هم متحد شویم تا حکومت خودمان را یعنی حکومت کارگران را برقرار کنیم"

مبارزه برای بازگرداندن کارگران مبارز اخراجی آمل همچنان ادامه دارد

مواجه می شود، میگوید: "من هیچ کاره ام و از همین حالا می گویم و اعلام می کنم که تا آن کسان که بدستور و با... من اخراج شده اند نمیتوانند به سرکار خود بازگردند و علائقین کارخانه را به اداره کار مربوط است." در این هنگام یکی از نمایندگان میگوید: "اگر شما هیچکاه بوده اید، پس بطور انجمنی اعضای انجمنهای اسلامی معلمین و کارگران با تائید شما و کوبیدن مهر اخراج و تائید به انجمن حکم اخراج مطلقان و کارگران را صادر نمودند؟! " ما داستان با سخ میبدهد: "حالا بگریه من مربوط نیست، من می گویم در راه دیو روز نامه ها اعلام کنند "دیگران کارخانه را بر طبق به من ندارد."

در فاصله ای که کارگران در محوطه "دادگاه انقلاب" به بحث و فاشگری درباره عملکردهای خدا انقلابی "دادگاه انقلاب" و سزاین مشغول بودند، فرماتدار شهر که قهر رفتن به محل دادگاه را داشت سر میسرند، کارگران دور او گرفته و یکی از آنها میپرسد: "اینجا به چه حقی کارگران را اخراج میکنند؟ فرماندار میگوید: طبق ماده ۳۳ قانون کار! یکی دیگر از کارگران میگوید: "اینهمه شنی و زخمی دادیم، هنوز میگویند طبق ماده ۳۳ قانون کار؟! فرماندار جواب میدهد: هنوز قانون کار جدیدی نیامده، بنا براین این ماده همچنان به قوت خود باقیست!! وی که پیش از این در برابر اعتراض کارگران تا بنام وارد نداخل میخورد در این هنگام نمایندگان کارگران به بیان آنها می آیند و سزاین اعمال خدا انقلابی دادستان متحمنین با صدور قلمنا های خواستار بازگشت نوری و بدون قید و شرط کارگران مبارز اخراجی به سرکارها با بیان میبوند، آنگاه کارگران موقتاً به محض خود با بیان میدهند و برای مشخص شدن نتیجه روز میلست تعیین میکنند و اعلام میدارند که اگر سزاین از انقضای این مدت به خواست آنها رسیدگی نشود باید دیگری دست به تحن خواهند زد.

جندی است که رژیم جمهوری اسلامی یورش همه جانبه و سازمان یافته ای را علیه نیروهای انقلابی، کارگران و کارکنان مبارز در کارخانه ها، ادارات و موسسات، تحت پوشش عوام فریبانه و ضد انقلابی "تصفیه و پاک سازی" آغاز نموده است، بدنبال همین سیاست ضد انقلابی، دهها تن از کارگران مبارز کارخانه ها از جمله کارخانجات جین من، بیلوجین، آجرما شینسی من تا ۲۰۰۰ نفر اخراج شده اند این سیاست که ماهیت واقعی آن چیزی جز حمله به دستاوردهای انقلابی کارگران و زحمتگسنانمانند شوراهای سندیکاهای واقعی و اخراج عتضات کارگران مبارز است، وسیع و گسترده اعتراض کارگران مبارز را به همراه داشته است، این کارگران به اشکال گوناگون مانده ایجا دستخوردند و تعاون (کارگران کوره پزخانه ها) و با جمع درآمد "ره کار" و "دادگاه انقلاب" (مانند کارگران جین من) و... حمایت و پشتیبانی خود را از کارگران اخراجی ابراز داشته اند.

روز چهارشنبه ۵۹/۵/۸ ساعت ۲/۱ بعد از ظهر پیش از یکمذتن از کارگران کارخانجات آمل به حمایت از کارگران مبارز اخراجی کارخانجات این شهر در محل "دادگاه انقلاب" دست به تحن می زنتند پس از مدتی دادستان به اصطلاح انقلاب، تحت فشار کارگران اعلام میکنند که خواست با یکی از نمایندگان کارگران اخراجی مذاکره کند، اما سرانجام بغلت با فشار کارگران، دادستان با چهار نفر نماینده کارگران اخراجی و یک نفر نماینده از طرف کارگران شاغلی که به حمایت از این کارگران در تحن شرکت کرده بودند به بحث و گفتگو می نشینند، وی ابتدا سعی می کند با تهدید و "خلالگر" و "فدا انقلاب" نامیدن کارگران اخراجی موضوع را تمام شده قلمداد نماید، اما وقتی با فشاری و افشاکری نمایندگان کارگران

مبارزه کارگران اخراجی چیت ممتاز همچنان ادامه دارد

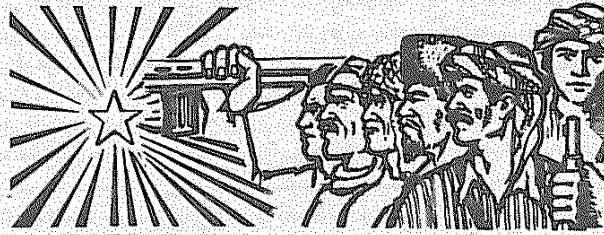
عنا صر کورداگر کرده و بدنبال سببهای و زمینه های روزهای ۶ و ۷ مرداد ما از کارخانه اخراج میکنند، عکس العمل کارگران در مقابل این اخراج متفاوت بود تعداد کمی حرف شورا را با ورمیکردند ولی بقیه نمی توانستند از ابطای بین کودتای کارگران و کارگران مبارزی که خود را نزدیک آنها را میشناختند تصور کنند در همین رابطه یکی از کارگران ضمن خواندن اعلامیه یوزخندی زده و گفت: "لاید کارگران قرار بوده سوار ما سوره ها بشوند و بروند هوا و از آن بالا کلاف بریزند!" کارگران اخراجی برای بازگشت به کار به یک سلسله فعالیت دست میزنند که در زیر به برخی از آنها اشاره میکنیم:

- ۱ - شکایت به وزارت کار کارگران مبارز اخراجی به وزارت کار شکایت میکنند ما به نتیجه ای نمی رسند، در این رابطه وقتی نماینده وزارت کار با مراجعه بکارخانه کارفرما و اعطای شورا می خواهد که دلیل اخراج کارگران را روشن کند بقیه در صفحه ۱۱

جندی قبل شورای ضد کارگری کارخانه چیت ممتاز یکی از کارگران مبارز را به "جرم" کمونیست بودن از کارخانه اخراج می کند، این کارگرموفق میشود در کمیته تمام اتهامات واهی ای را که به او نسبت داده بودند رد کند و از آنجا بزرگه بازگشت به کار میگردد، اما شورا همچنان با بازگشت او مخالفت می نماید، کارگر مذکور تا گزیر به وزارت کار شکایت می کند، وزارت کار می گوید ما فقط میتوانیم طلبکاری شما را بگیریم و طبق ماده ۳۳ کارفرما هر موقع که دلش خواست میتواند کارگری را اخراج کند، در این هنگام بیش از ۲ نفر از کارگران مبارزان کارخانه بنظور بررسی راه های بازگرداندن کارگران اخراجی تشکیل جلسه میدهند به علت بیدقتی کارگران مبارز کارگر خبرچینی در این جلسه نفوذ میکنند و پس از بیان کارگزارش جلسه و مشخصات کامل کارگرانی که در آن شرکت کرده بودند را در اختیار شورا قرار میدهد، شورای ضد کارگر که بدنبال بیانه ای برای اخراج کارگران مبارز میگشت از فرصت استفاده کرده و بلافاصله با صدور اعلامیه ای کارگران مبارز را متهم به "هنگامی بسا

با تمام قوا در مقابل توطئه اخراج کارگران متحدانه مقاومت کنیم!

# خلق ها و مسئله ملی



## خلق کرد! رزم تو پیروز باد!

علیرغم هاپوی رژیم مبتنی بر برقراری حاکمیت جمهوری اسلامی در کردستان، خلق کرد پیروز مندانند و با استواری بیش از پیش به پیکار رومقاومت خونین خود ادامه میدهند و هر روز ما شاهد پیروزیهای بیشترگان قهرمان در شهرهای مختلف کردستان هستیم، دوخبر زیر همچون نمونه های فراوان دیگر دروغهای ما خدای رژیم را در سرکوب جنبش مقاومت خلق کرد نشان میدهد:

اشنبه ۵۹/۵/۱۸

### حمله ای شجاعانه به نیروهای ضد خلق

یک ستون ارتشی به همراه عده ای با سداربام تا یک

و در معیت ۲ هلیکوپتر روستاهای "سرکز" و "قرا سرکال" را مورد یورش ضد خلقی خود قرار دادند.

این ستون با مقاومت جانان ازانه بیشترگان دمکرات مواجه گشت. پس از مدتی کوتاه به بیشترگان قهرمان کومه له و بیگا رنیز بیاری بیشترگان دمکرات شتافتند. طی نبرد بیشترگان قهرمان با نیروهای ضد خلق عده ای از نظامیان و پاسداران کشته و یک تانک بدست بیشترگان رزمنده دمکرات و کومه له افتاد ارتش با دیدن شکست حتمی خود از دست بیشترگان قهرمان، روستای "خاله" و چند روستای دیگر را بتسویب بسته و موجب ویرانی چندین خانه در منطقه مذکور گردید. همچنین هلیکوپترها نیز در اطراف رازیر باران گلوله های خود قرار دادند.

در اثر تیراندازی هلیکوپترها یک جیب مورد اصابت

گلوله قرا گرفت و دو نفر از سرنشینان زحمتکش آن شهید شدند. همچنین در این روزها شرافت ناریک مین در اشوبه چند ارتشی زخمی و دو پاسدار کشته شدند.

سردشت ۵۹/۵/۲۳

### هلیکوپترها در کمین پیشمرگان قهرمان

امروز سه هلیکوپتر ارتشی در منطقه "کلته" اقدام به بیاد کردن نیرو نمودند. بعد از بیاد شدن نیرو - های ضد خلق مورد حمله شجاعانه بیشترگان قهرمان قرار گرفتند. خبری حاکی است که عده زیادی از سرنشینان هلیکوپترها کشته شدند. اما از زمان رد قبض کشته شدگان اطلاع ای در دست نیست.



رزم آوران دریادل، آتش تداوم انقلاب را در کردستان قهرمان همچنان زنده نگاه داشته اند.

## ۲۸ مرداد ۱۳۵۸، روز فتوای آیت الله خمینی برای یورش به کردستان

خلق قهرمان کرد، بدنیال ده سال مبارزه برای کسب خود مختاری و راهی از قید ستم ملی- طبقاتی کد طسی سالها حاکمیت رژیم و استبداد میریالیسم تا سرآوردن تحمیل شده بود، کمتر از دو ماه بعد از قیام، با ردیگر (منشی ایستادگست تا ز بقدرت رسیدگان و میوه - جینا انقلاب) زیر باران و کشتار وحشیانه ارتشی ضد خلقی قرار گرفت. نوروز خونین ۵۸ با بمباران سنج، سرآغازها جو وحشیانه یوروزوی و خورده - یوروزوی حاکم بر این خلق رزمنده بود. این یورش ضد خلقی که در چهار جوب دفاع از ستافع طبقاتی کسل هیئت حاکمه و تحت پوشش "جنگ با کفار" و تجزیه طلبی انجام می گرفت، دو هدف عمده را بدنیال می کرد:

۱ - کسب سرکردگی و حاکمیت برای یوروزوی حاکم در کردستان جهت تأمین منافع طبقاتی هیئت حاکمه با حمایت از فئودالها و زمینداران بزرگ، وادامه استعمار روستاهای زحمتکش خلق کرد تحت عنوان "تابعیت استان کردستان از دولت مرکزی".

۲ - جلوگیری از سرایت آتش مبارزات ملی- طبقاتی خلق کرد به دیگر خلقها و شعله ور شدن جنبشهای ملی در سراسر ایران. و درست بهمین خاطر، هیئت حاکمه جدیدنه می خواست و نه اساسا می توانست به خواستهای برحق خلق کرد پاسخ گوید. مبارزات عادلانه خلق کرد در شهرهای کردستان و هماغه هنگی و یکسان بودن اهداف ایستادگست نمی توانست یوروزوی تا ز بقدرت رسیده را انگار نشان دهد. این نگرانی در حقیقت بیاد منامیش قدرت مسلح خلق تحت رهبری سازمانهای سیاسی - انقلابی خلق کرد و اعمال حاکمیت مسلحانه نوده های زحمتکش شهری - روستایی در سوزشهای شهری و اتحادیه های

های دهقانی در روستاهای کردستان، و بالا بودن پتانسیل انقلابی و سطح آگاهی و مهمتر از همه وحدت مبارزاتی خلق کرد بود.

بهمین خاطر یکماه بعد از قیام بهمن، توطئه های جنگ افروزانه ارتش ضد خلقی با همدستی مرتجعین محلی از جمله مفتی زاده ملا حسینی و... شکل گرفت و عاقبت به بمباران و وحشیانه سنج کد طسی آن مدها تن از زحمتکشان کرد به شهادت رسیدند. انجام مید بدنیال کشتار مردم به دفاع سنج، نطقه و... هیئت حاکمه با موجی از خیزش مسلحانه و انقلابی توده های زحمتکش کرد در سراسر کردستان مواجه گشت. خیزشی که سرپرست رهبری خلقها و توده های آگاه و مبارز سراسر ایران از ریسگو، و حمایت و شرکت فعال کمونیستها و نیروهای مترقی از سوی دیگر رهروزی بیشتر از پیش موجب کسب موفقیت بیشتری برای خلق کرد میگشت.

دولت موقت منتخب آیت الله خمینی، در هر گام خود با طوفان خشم انقلابی خلق کرد روبرو گشته بود. از سال نماینده ها، آیت الله طالقانی و... همه و همه نشان از آن می دادند که جمهوری اسلامی از برقراری حاکمیت بلاواسطه در کردستان مستاصل شده است. از طرفی حمایت همه جانبه نیروهای انقلابی و بیوزنه کمونیستها در راستای افشای سیاستهای هیئت حاکمه از کشتار و سرکوب خلق قهرمان کرد و ستایش نمودن ماهیت جنگ کردستان و توضیح خواستهای عادلانه خلق کرد، موجب گشته بود که بخشی از توده ها اساسا عدالت جنگ کردستان و کشتار خلق کرد توسط هیئت حاکمه را زیر سوال قرار دهند. نتایج حاصله، در این روند - بقیه در صفحه ۶

### نگاهی ...

وتحولات هنری در این دوران از دیدگروا نوب بسک بررسی علمی است. از جانب دیگر با بد توجه داشت هنر آن نوع آگاهی بشری است که خود مستقیما، واقعیت را منعکس نمائند و چون علم با کمیت های عینی و فائونمندیهای مادی سروکار دارند، در بیکباره واسطه تخیل و با تکیه بر احساسات و با واقعیات عینی مربوط میشود، و این همان نکته ای است که خلاقیت هنری را از پیچیدگی خاصی برخوردار میکند. به این ترتیب برای گریز از ساده انگاری، در درک ماهیت طبقاتی هنر با بدیش از همه به عنصر ایدئولوژیک آن تکیه کرد و از این طریق پیوندها را با طبقات درون جامعه نشان داد. گرچه ادبیات مشروطه ادبیات آن دوران انقلابی است که با بیان بافتن روند آرمزندگی، مبارزه طبقاتی خادرو جعی آشکارا با صراحت و روشنی بیشتر، در معنویات بروز کرده و مرز بندی های طبقاتی در آشکارترین جلوه خود در ره شتون زندگی اجتماعی تحقق می یابد.

در کنار چنین حقایق بنیادیه همان ویژگیهای متمایز آفرینش هنری، برخوردار از بیانی شانسانه به هنر مشروطه تعیین کیفیت هنر این دوران و دستاورد های آن در این رشته ارتباط پیچیده به سبکهای مختلف با تحولات جاری و جنبه های بیرونی و اجتماعی و... همه و همه ضرورت تمام برخوردار است و در واقع آن سوی سکه بررسی ما رگسیستی را در حیطه هنر تشکیل میدهد که البته در نظر گرفتن تمام این جنبه ها، نیاز به خلاقیت، مهارت و شناخت هنری وسیع و کار فعا لانه دارد که با بدایه داده شد در آینده صورت بنیاد مسادر اینجا تنها برخورداردی فشرده و گذرا از هنر این دوران ارائه میدیم.

ادامه دارد

## حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

بقیه از صفحه ۵  
۲۸ مرداد ۵۹

نمیخواستند در ریزش توم بخش اعظم توده های آگا و مکه میوه چینی انقلاب فقط (وقف) به اعتبار این توم توانسته اند تا کنون بر مسند قدرت باقی بمانند، بی تاثیر باشد.

رژیم می خواست کردستان را تحت سیطره قدرت خود درآورد و برای اینکار لازم بود که از پشتیبانی نسبی توده های متوجه آگا و بیسیج شدن آنان با تحریک احساسات مذهبی شان، برخوردار باشد. از طرفی فعالیت های افشارگانه و آگا همگرا با نه نیروهای کمونیست و مترقی و شنا شدن، ما هیت خواستهای عادلانه خلق کردستان توده های نا آگاه، مانع از پیشبرد سیاستهای فوق الذکر هیئت حاکمه بود. پس هیئت حاکمه برای آغاز تهاجم خویش به کردستان، می بایست فضایی مسموم و تحریک شده بر علیه خلق کرد و نیروهای انقلابی ایجاد کند. برای پیشبرد این سیاست لازم بود تا از دیپهای دموکراتیک و امکان فعالیت های آگا همگرا نه زمانهای کمونیستی و نیروهای مترقی را مورد یورش قرار دهد. نشریات انقلابی را توقیف کند و فعالیت نیروهای انقلابی را با خاک یکسان سازد. رژیم در اجرای این سیاستهای فاسد مردمی، با بسیج و سازمان دادن دسته های اوباش و قداره های رده های دفاعی و نیروهای انقلابی را مورد حمله قرار داد. هزاران نسخه از نشریات آگا همگرا به نیروهای انقلابی به آتش کشیده شدند و مدها نبرد گروشه و کتا رکشور توسط مزدوران رژیم به بیجا نه کمونیست بودن مورد ضرب و جرح قرار گرفتند.

هجوم به آزادیهای دموکراتیک که پیش درآورد یورش به کردستان بود با فتوی آیت الله خمینی مبنی بر حمله به کردستان در روز ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ کا ملتر گشت. شهرهای بوکان، سنقر، سنندج و میما با دو چند شهر دیگر در محاصره اقتضای - نظامی شدید قرار گرفتند. سقوط شهربوکان در حداقل بین کردستان و آذربایجان بدست نیروهای فذخلق آگا رکشا روحشانه ترا زبیش خلق کرد توسط هیئت حاکمه بود. موج قتل عام در کردستان بر راه افتاد و دهها تن از زخمیگان خلق کرد بوسیله بمبها و گلوله ها و خمپاره ها و دیگر بمبها ت آمریکا بی ارتش آریا مهری بخون خویش در غلطیدند. دهها تن از انقلابیون کمونیست و فرزندان مبارز خلق کرده جرم کمونیست بودن، توسط جلادان کله یوکی نظیر خلخالی به جوخه اعاد مسیره شدند. ابعاد این تهاجم بحدی بود که حتی پیران و کودکان خردسال نیز از قتل عام درانماننا شدند.

یورش رژیم به خلق کرد اگر چه در ابتدا، با تسمخیر بی شهرها با بیروزی ظاهری همراه بود اما مقاومت حماسه آفرین توده های زحمتکش کرد و نبردهای قهرمانانه پیشمرگان رزمنده خلق کرد بر این تفکر که رژیم بسا محاصره نظامی - اقتصادی و کشتار خلق کرد نتوانسته است آتش مبارزات دلیرانه و قهرمانانه آنها را تسامندی خاموش گرداند خط بطلان کشید، چرا که خلق کرد با مبارزات خود به اشکال مختلف، از ضمن، اعتماد و نظرات شگوه مند در شهرهای مختلف گرفته تا نبرد مسلحانه پیشمرگان قهرمان با نیروهای فذخلق، از نظر سیاسی - استراتژیک و تا حدی نظامی آنچنان شکستی را به رژیم تحمیل کرد که سردمداران و اادار

نموده تا مفتضا نه پای میز مذاکره بنا بینندگان سیاسی خلق کرد بنشینند و بعد از مدتی کوتاه نیروهای سرکوب - گر خود را با خفت هر چه شما مترا ز بیم آتش او بگیرند و خشم توده های زحمتکش کرد، از اکثر شهرهای کردستان خارج سازند. اما نایب ذفر، موش کرد که عقب نشینی مقطعی رژیم در کردستان بعد از تهاجم ۲۸ مرداد ۵۸ نه در جهت دست کشیدن از کردستان بلکه تحت فشار شکننده توده های مسلح کرد و برای تجدید قوا و تقویت سازمانهای سرکوبگر خود یعنی ارتش و پاسداران دست به این عمل ناخواسته زد. از طرفی در فاصله بین زمان

انقلاب فرهنگی از خون دهها تن از دانشجویان انقلابی رنگین ساخت و در حقیقت دست نه همان تاکتیکی زده در یورش ۲۸ مرداد ۵۸ از آن بهره گرفته بود. اکنون با ردیگر رژیم بخبال خام خود بر کردستان مسلط گشته و حاکمیت جمهوری اسلامی اش را در کردستان برقرار کرده است اما واقعیت خلاف این پندار خام رژیم ارتجاعی را نشان می دهد خلق کرد بسا رزه بی انان خود با نیروهای سرکوبگر رژیم داده می دهند. روزی نیست که ما شاهدجا نباشیم و قهرمانان توده های کرد و پیشمرگان رزمنده خلق کرد در شهرهای کردستان

- مبارزات عادلانه خلق کرد در شهرهای کردستان و هماهنگی و یکسان بودن اهداف این مبارزات نمیتوانست بوزواری تازه بقدرت رسیده را نگران سازد. این نگرانی در حقیقت پیامد نمایش قدرت مسلح خلق تحت رهبری سازمانهای سیاسی - انقلابی خلق کرد و اعمال حاکمیت مسلحانه توده های زحمتکش شهری - روستایی در شوراهای شهری و اتحادیه های دانشجویی در روستاهای کردستان، و بالا بودن پتانسیل انقلابی و سطح آگاهی و معتر از همه وحدت مبارزاتی خلق کرد بود.
- هجوم به آزادیهای دموکراتیک که پیش درآورد یورش به کردستان بود با فتوی آیت الله خمینی مبنی بر حمله به کردستان در روز ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ کا ملتر گشت.

نباشیم و همچنین روزی نیست که ما قربانان کتاری فرزندان مسلح خلق را بر نیروهای فذخلق شاهد نباشیم. رژیم با توطئه سکوت در مورد خلق کرد و یوزر نمایان شدن به اصطلاح فتوحات خود، می خواهد مبارزه ای را که همچون رودی خروشان در کردستان جریان دارد از پیش چشم توده ها و خلقها پوشیده نگه دارد بنا بر این وظیفه کمونیستها و تمام نیروهای انقلابی و مترقی و بر عهده شما توده های آگا و مبارزان است که اخبار مبارزات انقلابی خلق کرد را به هر طریق ممکن بگوش خلقها و توده های زحمتکش نرسانند و با حمایت فعال و همه جانبه از خلق کرد، توطئه های رژیم در سرانزوا کشیدن خلق کرد، خنثی سازند.

بیروزی دجنش مقاومت خلق قهرمان کرد برقرار باشد خود مختاری خلقها در جها رجوب ایوانی مستقل و دمکراتیک

خروج ارتش و پاسداران از شهرهای کردستان و یورش فذخلق مجدده آجا، رژیم زیگراگهای فریبکارانه ای در حرکت سیاسی خود انجام داد. دوزینه مسا عدتری برای تهاجم مجدد به کردستان فراهم ساخت. تصرف سفارت آمریکا و بسیج توده های متوجه و نا آگاه حول شعارهای تو - خالی که میربا لیسما آمریکا را بدون دست زدن بسبه پایگاه های آن (سرما په داری وابسته) در آسمان مورد حمله قرار می دادند از طرفی و درگیریهای مرزی با رژیم فاشستی بعث عراق، از طرف دیگر مستمسک مناسبی برای جمهوری اسلامی تحت عنوان مبارزه با امپریالیسم آمریکا و رژیم بعث عراق در جهت سرکوب خلق کرد و تهاجم مجدد به آزادیهای نسبی که بنده از عقب نشینی رژیم ز کردستان ایجاد شده بود فراهم ساخت چنانکه ما شاهد بودیم که رژیم همزمان با یورش بسبه کردستان و قتل عام خلق کرد، دانشگاهها را تحت عنوان



پاسداری که در عکس می بینید ناظر و نگهبان اجساد عوامل پالیسیان و حکومت ارتجاعی بعث عراق نیست. وی ناظر اجساد شهروندان زحمتکش کردی است که در فتوای هجوم سال گذشته آیت الله خمینی بدست پاسداران ارتش فذخلق بسبه شهادت رسیده اند.

# برقرار باد خود مختاری خلقها در چهار چوب ایرانی مستقل و دموکراتیک



## داستان «شبیچه تراشی» و خداشناس شدن چه گوارا در تلویزیون!

از قدیم گفته اند "الغریب بیتش بکل حیثی" یعنی غریب به هر خسی و خاساکی جنگ میزند. این ضرب المثل شامل طبقات و ایدئولوژیهای ورشکسته‌ای که می‌کشند و بی‌وسیله‌ای جنگ زنند تا بلکه علت وجودی خود را توجیه کنند و خود را موجه و قابل قبول نشان دهند نیز می‌شود. زمانی در دوره صفویه "شیعه تراشی" معمول بود، تبلیغات نجی‌های حکومتی می‌نشدند و هزار آسمان و ریسمان را بهیم می‌یافتند تا ثابت کنند که مثلاً فلان شاه معروف و محبوب مردم شیعه بوده است نه سنی! و قضاای خنده‌داری می‌ساختند. به این ترتیب بود که سعدی و حافظ و فردوسی پس از سالها و قرن‌ها که از مرگشان می‌گذشت با "تعبیر و تفسیری" که از شعرهایشان می‌شد "شیعه‌علی" از آب درمی‌آمدند و فلان فیلسوف که سالها تکفیرش کرده‌وا و از او راه‌نیا بنا نهاده بودند، بزرگ ترین خداشناس می‌شد و "صدرا لسانالهیین" لقب میگرفت فلان دانشمند و طبیب شاگرد فلان امام از آب درمی‌آمد و قس علیها، بعد از شهریور ۶۲ و شگفتن دیکتاتور سوری رضا خانی و بدنبال بی‌رو و گسترش جنبشهای اجتماعی در ایران، برخی گروههای مذهبی پیدا شدند و سعی کردند اعتقادات مذهبی را با رنگ و لعاب علم‌دانش جدید به دیگران عرضه کنند با زمین قضا با بنحوی دیگر تکرار گشت، کسانی که پای منبرها نشستند دنیا دستان هست که برخی وعظ و تاج و تاج می‌یکی دوا سیم خارجی را حفظ کرده، هی تکرار می‌نمودند که آنها مثلاً در باره اسلام... چنین و چنان گفته اند و با لحن خاص و تلفظ ویژه منبری بگوش "مستمعین" می‌خواندند که دکتر گوستا و لوبون فرانسوی یا "دکتر فلاماریون" یا "ولتر" یا "جرج جرداق مسیحی" راجع به اسلام با حضرت علی چنین و چنان گفته و "حقا نیت" اسلام را از زبان آنها نتیجه می‌گرفتند! البته خالاهمان به بحثها و حرفهای قدیمی و کهنه‌ادر "بحثهای ایدئولوژیک" روزنامه‌های رسمی اسلامی و رادیو تلویزیون فراوان مشاهده می‌کنید.

اگر سابقا نوبت شعر، دانشمندان، مسیحیان یا یهودیان معروف بود که پس از مرگ شیعه یا مسلمان شوند! حالا نوبت انقلابیون و کمونیستهای است که می‌رود را بر مرحله‌ای از تاریخ مبارزات خلقها چنان نوشته اند که نمی‌شود متکرران شد دستگساره تبلیغاتی جمهوری اسلامی می‌توانند برای جانداختن "اندیشه" خود از نام آنها سوء استفاده کنند. خود طرف هم البته مدتهاست "از دنیا رفته" و "و نسی" شواهدا اعتراض کند! اینجا است که چه گوارا، انقلابی معروف آمریکای لاتین در مقدمه فیلمی که شب جمعگدشته از تلویزیون سخن شد "موجد" و خداشناس از آب درمی‌آید. آخرا نظر گداندگان جمهوری اسلامی نگرمینود کسی ماتریالیست باشد و چنان فداکاریهایی بکند؟! اینصحنه "خدا" معتقد بوده! جندی بیش آیت الله خلخالی راجع به رفیق اندانی شهید نسودا حد زده هم اظهار فضل فرمودند که

## تهاجم گسترده ارتجاع به پیروهای انقلابی و مردم مبارز رشت

دست زده و با دادن شعارهای نظیر "به تصمیم توده‌ها، زندانی سیاسی آزادبا نگردد"، "شاه رفرز جنگکش نان، مسکن، آزادی" و... کینه و نفرت خود را از سیاستهای ضد خلقی رژیم و اوباشان و پاسدارانش ابراز می‌دارند.

### پنجشنبه ۵۹/۵/۱۶

ساعت ۸ بعد از ظهر اینروز، پاسداران ارتجاع به محل تجمع فروشندگان نشریات انقلابی و مترقی در "زیر شهرداری" حمله کرده و یکی از جوانان انقلابی را که نشریه "زمنندگان" می‌فروخت دستگیر می‌کنند. بدنبال آن، حدود ۱۰۰۰ نفر از مردم را بهیمنایی و نظا هرات بمنظور راه ساختن انقلابی دستگیر شده تلاش می‌کنند اما بعطت تیراندازی پاسداران موفق به آزاد ساختن او نمی‌گردند.

### شنبه ۵۹/۵/۱۸

پس از چندین بار حمله به هواداران سازمان سنا در "زیر شهرداری" ساعت ۱/۵ بعد از ظهر این روز پاسداران با زدیگر به بساط هواداران سازمان حمله کرده و ضمن باره کردن نشریات و پلاکاردهای پارچه‌ای بکنفرانس دستگیر می‌کنند.

### یکشنبه ۵۹/۵/۱۹

در اینروز در محل سبزه میدان، زن حامله‌ای به بیانه‌نداشتن حجاب مورد حمله یک زن معصوب و ناآگاه قرار می‌گیرد. مردم بمحفل دیدن این وضع به حمایت از زن حامله بر می‌خیزند. در این هنگام پاسداران سر رسیده و به تیراندازی هوایی می‌پردازند. مردم خشنگین به ما شین پاسداران حمله می‌کنند. پاسداران از شدت تنفر و انزاج مردم بیچاره، افتاده و با بفرار می‌گدازند. مردم مبارز رشت که از اینهمه بیاد دوفشار ارتجاع بتنگ آمده بودند با برپایی راهیمنایی با شکوهی که در آن بیش از ۴۰۰ نفر شرکت کرده بودند دست به افتخاری می‌زنند. راهیمنایی ضمن دادن شعار - های ارقبیل "مرگ بر پاسدار"، "در دما درد شماست مردم بیما ملحق شوید"، "از قحطی و گران می‌مردم بتنگ آمدند"، "آنگاه می‌شود ما، تا بودی ارتجاع" سراسر خیابان امیرکبیر را در صفوف فشرده‌ای می‌بیمایند. در انتهای خیابان و در خوالی میدان شهرداری یکی از نظا هر کنندگان سخنرانی می‌کنند که با استقبال گرم مردم رو برو می‌شود. مزدوران عوامل رژیم که از صفوف متحد و یکپارچه مردم مبارز رشت ناراحت شده بودند زبونانسه برای متفرق نمودن آنها در میان نشان قره برتاب می‌کنند. پس از پراکنده شدن مردم، اوباشان و فدا زده بندان رژیم جمهوری اسلامی ضمن شعار دادن به جستجوی افراد مبارزی می‌پردازند و در این رابطه چند نفر از اهالی مبارز رشت را دستگیر می‌کنند.

در ماه گذشته مردم مبارز و نیروهای انقلابی رشت با رها زیر حملات ضد مردمی پاسداران ارتجاع و اوباش رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفتند. حمله به نشریات مترقی، اکنون دیگر بصورت یک شیوه معمول در آمده است و دستگیری فروشندگان نشریات انقلابی روز بروز فزونی می‌یابد. گزارش می‌دهد که در زیر ملاحظه می‌کنید شرح جریان حملات مکرر پاسداران به مردم و بساط نیروهای انقلابی و مترقی در رشت می‌باشد.

### دوشنبه ۵۹/۵/۱۳

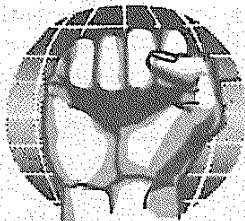
در اینروز پاسداران سرما به به ده که هواداران سازمان پیگار در محله بلیمن رشت حمله می‌کنند و ضمن جمع کردن نشریات و اعلامیه‌ها می‌موجود بکنگ می‌کنند دستگیری یکی از اهالی مبارز محل را داشتند با مقاومت مردم مواجه شده و مجبور به عقب نشینی می‌گردند. مردم به هنگام مقارنبا پاسداران، با دادن شعارهای نظیر "مرگ بر پاسدار"، "از قحطی و گران می‌مردم بتنگ آمدند"، "این است آزادی ما مردم قضاوت کنید" و... شروع به راهیمنایی و برپایی جلسات سخنرانی و افشاگری می‌کنند.

### چهارشنبه ۵۹/۵/۱۵

در اینروز پاسداران مجبور ترا زین به بساط فروش نشریات سازمان حمله کرده و یکی از اهالی محل را دستگیر می‌کنند. آنها در مقابل اعتراض مردم به این دستگیری، با مشت و لگد با جان مردم بیادفا می‌افتند. اینبار نیز پاسداران وقتی با مقاومت یکپارچه مردم مبارز رشت مواجه می‌شوند با نا کامی محل را ترک می‌کنند.

بعد از ظهر همین روز عده‌ای از مادران زندانیان هوادار ما هدین خلق که در مقابل محل سپاه پاسداران دست به تخمین زده بودند، مورد حمله اوباش و قداره بندان رژیم واقع می‌گردند. طی درگیری بین مردم و اوباش چند نفر توسط پاسداران دستگیر می‌شوند. بهیمنی خاطر مردم در خوالی محله "دباغیان" به تظاهرات موضعی

ا و در شب آخر که پای اعدام بوده مسلمان شده است! اما حیف که چه گوارا نتوانست به ایران بیاید و در محضر آیت الله نوری رسا اسلام بیاورد و چه بسا نام خود را هم مثل محمد علی کلی از ارتش و چه گوارا به محمد چه گوارا تبدیل کند و به بیست برود!



# تا مین کار برای دهه داران، داشتن دهه‌ها حق مسلم آنان است







# پیکار

بقیه از صفحه ۳

## قانون ...

این یا رجز بافت را از روی واقعیات کنیا رزمینیم تا آنچه که در درون اوست نمایان ترشود.

رژیم برای حفظ وجهه خود از مدت‌ها قبل درحرف، بوسیله دستگای هبای تبلیغاتی تیش کارگران و نمایندگان آنها را برای تدوین آئینا مه‌شورا ها دعوت به همکاری میکرد و چهره‌های هر دمکراتی بخود میگردانید تا در عمل ما هیت فدحلقی خود را در بی توجهی به نظر توده‌هنگای خلق و پاسداری از منافع سرما بدها را ن به نمایانیش گذاشت. نمایندگان واقعی و کارگران مبارز هیچگونه دخلتی در تدوین چنین آئینا مه‌ای نداشته‌اند.

واضح است که این آئینا مه‌را ظاهراً قهای در بستن و بوسیله کار نشانان سرما بدها ری و شایه برخی از نمایندگان خود فروخته نوشته شده است و به امضای بنی - صدر، رئیس جمهور و رئیس شورا ای انقلاب رسیده است و این در حال لیست که در دست چند هفته قبل از این بنی - صدر فریاد میزد، "شورا بی شورا" بنی صدر که متوجه شده نمیخواهد کارگران را از داشتن تشکیلات خود منع کند از دردیگری وارد شده و چنان لایحه ای را تصویب میکنند که شوراها را از درون خالی کرده و آنها را به آلت دست دولت و سرما بدها را ن تبدیل نماید.

آئینا مه شورا ای کارکنان (یعنی شورا ئی که از تمام کارکنان یک شرکت اعم از کارگر، سرپرست فورمن کارمند، مهندس، ... و مدیر تشکیل میشود) با مطالبات اتحاد را تبلیغ میکند و به قولی میگوید همه با هم برادرند! اما کارکنان با رها و بارها در مبارزات خود دیده اند که سرپرستها، فورمنها، کارمندان و مهندسن یک کارخانه را گرو طرفدار کارفرما هم نشا شده، اگر بکنند آلت دست کارفرمایان هم تبدیل شده یا شنده هیچگاه در مبارزه علیه سرما بدها ربه استواری و پایداری کارکنان نیستند و عموماً در یک مرحله نا گهان از مبارزه دست میکشند و کارکنان را تنها گذاشته و سازش میکنند نفوذ و وجود این افراد در تشکیلات کارگری (شوراها) مبارزات پیگیری و نقلی کارکنان را دچار تزلزل خواهد کرد بنا بر این اعضا و نمایندگان شورا ای کارگری می - با بستن از آگاهترین و انقلابیترین کارکنان تشکیل شود، چنین شورا ئی قادر است که حقیقتاً از منافع سایر کارکنان یک موسسه یا کارخانه نیز در مقابل سرما بدها را ن زالومفت حمایت نماید و با خدا کثراً آنکه سایر کارکنان اگر به لزوم تشکیلات مستقل خود برسد می - توانند افرادی از میان خود بمنوان اعضای شورا انتخاب کنند و شورا ای خود را تشکیل دهند که در این صورت شورا ای کارگری با شورا ای کارکنان دیگر همکاری خواهد نمود، البته با توجه به این مسئله که قدرت اصلی در کارخانه با دیدست شورا ای کارگری باشد.

اما ببینیم رژیم با تبلیغ شورا ای کارکنان چه هدفی را دنبال میکند؟

ما ده ۲ آئینا مه تشکیل شورا های اسلامی میگوید: "مجمع کارکنان از کلیه کارکنان شاغل هر واحد در سطوح مختلف از کارگران تا مدیر تشکیل میشود." و در ماده ۳ انتخاب امضای شورا، تصویب اساسا مه رسیدگی و اظهار نظر نسبت به گزارشات شورا را جزء وظایف مجمع کارکنان نیگذا ردم یعنی آنکه مدیران کارکنان نیز با بیداری انتخاب شورا حق رای نداشته و در تصویب اساسی

نا مه و غیره دست داشته باشند. ما میبوسیم مگر با بسن مدیران چه کسانیه هستند؟ مگر نه آنکه آنها یا خود سرمایه دارند یا آنکه اجرا کننده او و مرودستورات سرما بده داران هستند ما میبوسیم مگر نه آنکه کارکنان باید حق و حقوق اقتصادی خود را از همین مدیران بگیرند و مگر نه آنکه کارکنان شورا تشکیل میدهند تا بوسیله آن بتوانند علیه مدیران و سرما بدها را ن که بلاشک جزء دشمنان طبقه کارگر محسوب میشوند مبارزه کنند پس منظور از رای دادن مدیران به شورا چیست؟ بجز آن است که عوامل دست نشاند خود را وارد شورا کنند و شورا را از درون خالی نمایند؛ بلکه این است یکی از خواسته های رژیم جمهوری اسلامی، خواسته ای که منتظما علیه کارکنان و تشکیلات آنهاست و تا زه این شروع کار است چون حق رای دادن که هیچ رژیم حتی میخوادند کاری کنند که خود مدیران عضو شورا هم باشند. اصل ۱۰۴ قانون اساسی میگوید: "به منظور تامین قسط اسلامی و همکاری (!) در تهیه برنامه ها و ... شورا های که مرکب از نمایندگان کارکنان و دهقانان و دیگر سرکارکنان و مدیران ... تشکیل میشود" و با در ماده ۷ بندب خیلی واضح تر نفوذ خود را بیان میکند: "شورا ای اسلامی کارکنان می با بستن حتی الامکان در سر - گیرنده تخصصیها ی مختلف بوده و همچنین از زده هنگای مختلف اعم از کارکنان ساده و مدیریت در شورا عضویت داشته باشند." رژیم برای پیشبرد اهداف خود بوضوح بیوندنا گسستن این را با سرما بدها را ن نمایان می - سازد و بیشتر ما نه تیشه خون آلود خود را بر شوراها، این دستاورد میراثی از قبا می فرود میا ورد، نفوذ مدیران در شوراها یعنی نفوذ دشمنان کارکنان در سرگرا ئیها، در این سنگر گیری رژیم جمهوری اسلامی دست در دست سرما بدها را ن و امیریا لبسم در سنگر مقابل قرار گرفته است و بدترستی قدرتمندترین دشمن خود را کارکنان و زحمتکشان تشخیص داده است. و بهترین راه وارد آوردن ضربت خود را بر کارکنان و دهقانان نفوذ در درون تشکیلات آنها یافته است و در این راه این قانون سرما بدها ری است که به کمک آنها می آید و دست آخر برای آنکه این عمل خود را لایو ثانی کند و وجهه ملی و اسلامی و بیگروستا نه به آن بخشد، نام این عمل را همکاری و همبستگی میگذارد. چنانکه در ماده ۴ می - افزاید: "شورا ای اسلامی کارکنان از زمین کلیسه کارکنان و واحدا اعم از کارگران و دهقانان مدیر (!) انتخاب و بمنظور تامین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه ها و ایجاد هما هنگی در پیشرفت امور ... ایجاد در وجه مشورت، همکاری و همبستگی بین کلیه کارکنان و ایجاد خود - کفائی اقتصادی (!) و تحکیم میانی جمهوری اسلامی ایران فعالیت میکنند." این همان قل و زنجیری است که در ریزه زریافت بیجیده اند، نفوذ مدیران، کارکنان و سرپرستها در شورا های کارگری بمنظور همکاری و همبستگی بین کلیه کارکنان (در حقیقت به منظور از همپاشیدن تشکیلات کارگری) این همان عملی است که باعث "تحکیم میانی جمهوری اسلامی" میشود. بلی کا بلا درست است، تحکیم میانی جمهوری اسلامی بستگی به آن دار که سرما بدها را ن و عوامل آنها هر چه بیشتر در تشکیلهای کارگری نفوذ کنند و آنها را داخل ملاتی سازند، بستگی به این دار که قدرت توده های خلق که در تشکیلهای آنها تجلی یافته بودند نابود شود، و با بسن

درست همان چیزی است که امیریا لبسم خودخوا رمدتها است انتظار آنرا میکشد و بوسیله ایادی خود چه در هیات خاکمه وجه در خارج از آن این هدف را دنبال میکنند اینجا است که منافع امیریا لبسم چنانخوا روبا بگناه داخلیش یعنی سرما بدها را ن و دولت آنها در هم گره خورده است و سنگر واحدی را تشکیل میدهند و اینجا است که رژیم جمهوری اسلامی جاده ما ف کن امیریا لبسم چنانخوا راست.

تا زه موضوع به اینجا ختم نمیشود، احتیاج به ماده و بند و تبصره و تفصیلاتی است که این نفوذ را تا عمیق شوراها ادا نمدهد. ماده ۸ لایحه میگوید: "به منظور گسترش مشارکت عام مردم در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی و اینجا در وجه همکاری هر چه بیشتر آنان در اداره امور خود و افزایش احساس مسئولیت پذیری مردم در حفظ و پاسداری از انقلاب شورا ای اسلامی کارکنان با بدنامی بنده خود را در مدیریت معرفی کند. در واحدهای کوچک بمنوان غفورا بظهور واحدهای بزرگ بمنوان غفورا بظهور یا عضو هیئت مدیره" ظاهراً میانی دارد! نماینده کارکنان با بدنامی بندها ریات هیات مدیره شرکت کند، از تصمیمات آنها با خبر بشود، و کارکنان را در جریان امور قرار دهد. ولی وقتی بقیه آئینا مه را مطالعه کنیم این ظاهراً میانی کار می رود. ما هیت آن خود را نشان میدهد. در بند ۳ وظایف غفورا بظهور میگوید: "جلب همکاری کارکنان در جهت اجرای صحیح تصمیمات متخذه در مدیریت" یعنی آنکه وظیفه غفورا بظهور تمام آن کارکنان و کارمندان را بدها ریات صحیح تمام است چیزی که هیئت مدیره تصمیم گرفته است و ادا سازد، یعنی نماینده شورا بهما قی سرکوب کارکنان تبدیل شود، نماینده شورا موظف است که تصمیمات هیات مدیره را بدرستی اجرا کند.

## پوزش و نصیحت

در شماره ۶۶ صفحه ۶ شعری از رفیق شهید احمد مؤذن آمده است که قرا ربوبند دستخط خود رفیق چاب شود ولی متاسفانه عین دستخط چاب نشده است. ضمن پوزش آن را در مجموعه ای دنیا مه شهیدان خواهیم آورد. نصیحتات ضمیمه ۶۶

صفحه ۲ ستون ۱ پاراگراف ۲ سطر ۲: بجای "شوه تولید سرما بدها ری در جا معوا بسته ما"، "شوه تولید سرما بدها ری و بسته در جا معما آمده است".

صفحه ۲ - ستون دوم پاراگراف دوم سطر ۱۵: بجای "عملکرد سرما بدهالی امیریا لبستی"، "عملکرد سرما بدهالی آمده است".

ستون سوم ۶ سطر ما نه بنده آخر: "بخوان با انحصارات امیریا لبستی و صاحبان سرما بدها ای انحصاری وابسته" درست است که کلیه امیریا لبستی جا افتاده است.

صفحه ۳ ستون ۱ پاراگراف دوم سطر ۷: "... در عین حال خرده بورژوازی - منهای بخش مخلفه کار و ارتجاعی آن" درست است که بخش جا افتاده است.

صفحه ۵ ستون دوم پاراگراف دوم ۱۰ سطر ما نه بنده به آخر ستون: "بسیا تخرخرده بورژوازی یعنی سیانگر طبقه سیالی است که ... بجای کلمه سیالی اشتباها سیالی قایب شده است".

# ۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

## سیاست‌های جدید ضد شورایی و ضد کارگری هیئت حاکمه را در صنعت نفت هر چه بیشتر افشا کنیم!

علیه‌س مانده‌های رژیم گذشته و با تازه‌ای یافته است. همچنین درگیریهایی بین جناح‌های مختلف هیئت حاکمه و تا نیران در درون صنعت نفت و انجمن اسلامی آن و بهم خوردن سیاستها و برنامه‌های رژیم برای کنترل و تضعیف شورا و به انحراف کشاندن مبارزات کارگران و کارمندان، همه و همه اوضاع را تغییر داده است.

رژیم دیگرمانند گذشته بر شورا تسلط ندارد و اینک مجبور است به کل آن لگد بزند و آنرا از سر راه خود بر دارد. سیاست نفوذ در درون شورا و به انحراف کشاندن آن، سیاست لب‌بنداری پوشیدن، ریش‌گذاشتن و تسبیح بدست گرفتن و ادعای مسلمانی کردن دیگر سپری شده است. شورا اینک موی دماغ شده و با یاد زجلوی پا برداشته شود. به همین جهت است که رژیم بناگزیروما سک فریب از چهره برداشته و دیگر درگیریهایی درون صنعت نفت را دعوی بین اسلام و کفر نمی‌داند و آشکارا با کل کارگران و کارمندان در افتاده و در این رابطه است که تصمیم گرفته‌شده است خود را از جانب شورا راحت کند.

معین فرطی بخشناهای که بهمناسبت انتصاب شماسی ما در کرده از وی میخواهد با کسی که "بافرست" - طلبی بصورت چهره‌های انقلابی نقش ضد انقلاب را بازی می‌کنند" مقابله کند. (تا که با زمان است.)

اولین ترغیب شماسی علیه شورا اینگونه آغاز میشود: دبیر شورا به اتفاق ۵ نفر از نمایندگان شورا، تعمیرات ما روون شرق با حکم شماسی معلق میشود. اما جرم اینها چیست؟ شورا؟ تعمیرات شرق! اها! ریسسه قویفکر عنصر سرسریدر رژیم پیشین اجازت داده است که آزادانه دست به انتخاب بزند و شما بی باید تیزی که دارد میداند از چه کسی با بد دفاع کند و با چه کسی در بیفتد و تا زین آغاز حرکت است! امروز خراج شما بیندگان شورا، فردا خراج غیر مسلمان من صنعت نفت و بعد...

کارگران و کارمندان مبارز صنعت نفت! سیاستها و اهداف تازه رژیم افشاء کنید و واقعبینی که پشت تغییر و تحولات اخیر خوابیده است، برای کارکنان صنعت نفت با زگو کنید. شماسی‌ها، تشنگویانها را به کارکنان صنعت نفت بشناسانید و اهداف آنها را در رابطه با توطئه علیه شورا، صنعت نفت، خراج نمایندگان انقلابی و... بر ملا سازید. از شوراها و خودخواهیدناهما نظور که تجربه دهنده قبیل شما ن داده با برگزاری مجمع عمومی و مراجعه به توده‌های کارگرو کارمندان، نظرات انقلابی شما را پیش ببرید. بیاد داشته باشید که تنها مجمع عمومی می‌تواند شورا را از زده‌هایی که عناصرا و زکا زبرای آن گسترده اند بر حذر دارد. مجمع عمومی میتواند شورا را تحکیم کند و با قوت گرفتن شورا از نیروی کارگران و کارمندان بوسیله مجمع عمومی و حمایت کارکنان دیگر، هیچ نیرویی را قادر به مقابله با آن نیست.

تب و تاب مبارزه کارگران و کارکنان صنعت نفت علیه‌س مانده‌های رژیم پیشین همچنان زنده مانده و این در حالی است که دیگر ما سک فریب و نیرنگ از چهره رژیم جمهوری اسلامی در دیده‌شده و برای بسیاری معلوم گردیده که این رژیم نه در پی تأمین منافع کارگران و زحمتکشان بلکه اساسا در جهت با زسبازی همان سیستم گذشته (سیستم سرما به داری وابسته) قدم برمیدارد.

بدنبال تصفیه برخی از عوامل وابسته به رژیم سابق در صنعت نفت اهو از که توسط شورای انقلاب اسلامی کارکنان صنعت نفت اهو از ناجا م گرفت و بهشتیانی وسیع کارکنان را به همراه داشت، معین فروری در صنعت شماسی این کهنه لیبرال رسوای صنعت نفت را به سمت ریاست ادارها منطبق نفت خیزکما رد و به اختیارات زیادی واگذار کرد.

شماسی که بهشتی مفا فرت با زرگانی به مناسبت صنعت نفت کلی بدنبال بلند کردن خود به هیات ویژه اما م بود تا در تقسیم غنا نم‌بسته‌های صنعت نفت جاشی برای خود دست و پا کند، بعد از آستانه نبوسی ندنی جلا رفت و مدتی به سمت معاونت در دفتر او به کارگمارده شد. وی اینک با فرا گرفتن در راهس ادارات صنعت نفت به آرزوی دیرینه خود رسیده است.

شماسی زما نیگه خود شخما در شورای مرکزی حضور داشت نما مگویشی برای این بود که شورا را به عنوان زانده دستگا‌های دولتی در آورده و همچنین می‌کوشید تا با آتوبه ریختن بر سر هات مدیره فاسد از با کساری آنها جلوگیری نماید. او حتی در شورا استناد با کساری عوامل رژیم پیشین را به سرعت برد.

گذشته زما سی، معین فروری انتصاب دیگری هم کرده است. وی محمود آدندگویان را که زما سی در کمیته با ملاح با کساری همدست حیدری (هزاره‌ای معسروف) بود، اینک بجای سرکسیان به مدیریت مناطق صنعت خیز منصوب کرده است.

تندگویان نیز از این اعصاب بلاقا مله به جمع آوری عناصر وابسته به رژیم سابق می‌پردازد و سیاستهای حساس مدیریت را به آنها واگذار می‌نماید. مثلا وی "حاجیان تهرانی" را که یکی از دست پروردگان کتیر-سیوم است و در ما گذشته توسط شورای مرکزی اخراج شده بود، بعنوان مشاور فنی خود برگزیده است.

رژیم جمهوری اسلامی گذشته از این تغییر و تحولات و جا بجایی‌ها، از آنجا که شورا را سد راه خود می‌بیند، انحلال آنرا در دستور کار خود قرار داده است.

اگر طی یکسال ونیم گذشته بر زمین نه توهمزایدی که کارگران و کارمندان این شرکت نسبت به رژیم داشتند و آنرا دولت منتخب خود میدانستند، سردمداران حاکم توانستند با استفاده از زغوا ملی چون شماسی و دارودسته انجمن اسلامی شورا را به زش کشاننده و در جهت اهداف خود سمت و سود دهند، اینک این زمینه شکل سابق وجود ندارد. مبارزه کارگران و کارمندان جزه

### بقیه از صفحه ۴ مبارزه ...

آنها ابتدا ادعای می‌کنند که این عده کمونیستند و تا نگاه که نماینده وزارت کار رسد می‌خواهد عصیان شده و میگویند: "تا ما سندی نداریم، بنویسند آنها را طبق ماده ۳۳ اخراج کرده ایم!"

۲ - مراجعه بطبوعات (کمیته اطلاع و انقلاب - اسلامی)

۳ - کارگران اخراجی هر روز بطور مرتب در برابر درگاه خانه اجتماع کرده و هنگام تعطیل شیفت کارگران برای آنان صحبت کرده و در مورد شورا و مدیریت به افشاگری می‌پردازند.

در ضمن در این مدت چندین اعلامیه و تراکت از طرف نشریه‌های "بیک ناسج" و "ناسج مبارز و همچنین یک اعلامیه مشترک از طرف این دو نشریه و "عده‌ای از کارگران مبارز" در کارخانه و نیز جلوی در آن در سطح وسیعی پخش شده است. کارگران برخلاف گذشته بیشتر اعلامیه‌ها را خوانده و تا نگاه‌ها کرده و در جیب خود می‌گذارند. افشای گریه‌های کارگران مبارز از درون کارخانه و پخش اعلامیه‌های افشاگرانه تا نیر خوبی روی کارگران گذاشته است. مبارزه کارگران اخراجی برای بازگشت به سرکار همچنان ادامه دارد.

### بقیه از صفحه ۱۶ یا ۵۵ ...

در دانشکده‌ها فعالیت سیاسی اش را دنبال کرد. در آذرماه ۱۳۵۸ در رابطه با مسائل سیاسی - ایدئولوژیک هوادار سازمان شد، ایمان به مبنی راستین بیروتاری اکنون وظایف سنگینتری بر دوش گذاشته بود. دیگر اومی توانست در باره زون روح و زحمت اهرم‌های انقلاب را ببیند. پیوستن مسلم به صفوف دانشجویان هوادار سازمان مادر آذرماه ۵۸ فعالیت سیاسی او را مدجدا ن نمود. مسلم دیگر شخما مزندگی را وقف انقلاب کرده بود. خانه وزندگی را نیز زها کرد و با سکونت در خانه‌های میدان غا زه کار خود در میان توده‌های زحمتکش و معنی اساسی داد. انضباط تشکیلاتی و بشکار انقلابی زبانه همه رفقا می‌بود که با او کار میکردند. او در مدت کوتاهی بدلیل استعدادش بویژه در امرهای با توده‌های زحمتکش و جذب آنها بسوی علم‌ها می‌طبقه کارگرو سرسری در تشکیلات دانشجویان هوادار ریافت.

سراجا بدنبال یک وظیفه تشکیلاتی در تصادف با یک کمیسی (در سه راه فرج‌آباد - کارگر) قلیش که با عشق به بیگاری سخت و بی‌انمان در راه آزادی طبقه کارگر می‌تنبدا ز حرکت با زایستاد. اما بیده است که راهش جا و دان است و بید است که همه رفقای که با او در بیکار همرا بود تا زین علاقه و انضباط و بشکار رفیق درسیهای گرانبها می‌آموخته اند.

با دش گرامی و راهش با بنده بساد!

### بقیه از صفحه ۱۶ مردم ...

حاجی ناصر، بویژه نماینده‌ای منتشر کرده است. آخرین خبر حاکی است که دادگاه به اصطلاح انقلاب با گرفتن ۵ میلیون تومان و شقیه، با زدیگر حاجی ناصر آزاد کرده است ولی آبا زحمتکشان اسلام شورا ایس دادگاه را تا کشید کرد!

# تا زمانیکه ۳۵٪ بر دس تهمزدها افزوده نشده "سود ویژه" گذاشته پرداخت باید گردد!



بقیه از صفحه ۱

تداوم...

بیکاری، و کاهش ورکود تولیدات صنعتی و وضع وخیم سیاسی درجا معه نشان میدهد، تنها از طریق دگرگونی بنیادینی نظام مملکت برجا معه و با استقرار یک نظم نوینی انقلابی امکان پذیر می باشد. و این نظم نوین نیز جز از طریق قرار گرفتن پرولتاریا و متحدان تاریخی اش یعنی تمام زحمتکشان در رهبری انقلاب میسر نمی باشد. انقلابی که با سرنگون کردن نظام سرما بهداری وابسته، با دموکراتیزه کردن حیات سیاسی کشور (سپردن حکومت بدست زحمتکشان از طریق تشکیل شوراهای کارگران، دهقانان، سربازان، و...) و راه را برای سوسیالیستی کردن تمام ممالک تولید جمعی هموار میسازد. این انقلاب تنها با اتکال به نیروی لایزال توده ها و وسیع تمام توده های فعال می تواند دنیا را می تمام زحمتکشان را مرتفع ساخته و دشمنان زحمتکشان را چاره غافل نموده انقلاب داخلی وجه توطئه های خارجی شده انقلاب جهانی را در تطفله نابود نماید. تنها چنین انقلابی قادر است نیروهای تولیدی را تکامل بخشد، استفاده ها را شکوفا نموده و در جهت خدمت به خلق با رورساخته و به تریبست و تشکل هر چه بیشتر پرولتاریا و زحمتکشان برده خسته و لحظه ای از منافع همه زحمتکشان و آگاه نمودن آنها به منافع تاریخی و طبقاتی نشان غافل نماید.

بورژوازی نیز برای بنیان بخشیدن به این بحران راه حل خود را در دومی خواهد از طریق بازسازی نهاد های یوسیده سیستم سرما بهداری وابسته، با انجام بعضی رفرمها در جهت رطب همین نظام و با "منبروع" جلوه دادن سرما بهداری به بحران می که خود را تفسیری سرما بهداری است خاسته بخشد. ششم بورژوازی لیبرال قوی است و خوب می داند تا زمانی که به بحران موجود اقتصادی و سیاسی با بنیان بخشیدن خود را نتواند دولت خود را از قدرت سیاسی تثبیت و تحکیم نماید، و به همین دلیل نیز هیئت حاکمه کنونی بلافاصله بهداری زحمتکشان در قدرت سیاسی در ۱۷ ماه پیش خواهد حل این بحران بخشد. "خدا بیستد نه ای" - بخوان به تفسیر سرما بهداری وابسته بود، کوشش بیدریغ با زرگان در بر زمین از اقتصاد کشور در جهت رطب سیستم سرما بهداری حاکم و بهداری آن فعالیت های شان نه روزی تنه صدر در داد معه ما سیاست های فدمردمی با زرگان (تنگرخواست این رژیم بورژوازی در حل و پیا پیا بن بخشیدن به این بحران روجه رشمی باشد. اما هسر خواسینی توانستن نیست، هم اکنون بحران ناشی از سرما بهداری وابسته بدلیل شدت یوسیدگی این نظام و تداوم همین بحران در چند سال گذشته موجب شده که این بحران عمیقاً در تمام تدهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه ریشه دوانده، رشد و گسترش یابد. بطاوه شده های ستمیده زحمتکشان و قهرمانان ما نیز که سالیان متما دی در بدترین شرایط و در فقر و سیه روزی زندگی کرده اند و با مبارزات قهرمانانه خودی زحمتکشان و خونخوارترین قدرت سیاسی را به اعناق تاریخی سپرده اند دیگر به رفرمهای بشی صدری در دستر همان سیستم سرما بهداری وابسته تن در نمیده هتد. حدت بحران موجود و خواست انقلابی توده ها باعث شده که هیئت حاکمه با آنکه "و خامت اوضاع" را درک می نماید ولسی هر روز تا توان ترا زبیش در راهیک برنا معه سیاست

کار ساز دنیا با بن بخشیدن به بحران موجود با تفسیر بهمین دلیل است که سربست برنا معه بودجه صریحاً اعلام می کند که "برنا معه را زمدت به علت توافقی رهبران کشور، آرمانها و هدفهای این جمعی غیر قابل تهیه است و برنا معه کونا همدت تابع جریا ناست روزی می باشد." - کیهان ۳۱ خرداد -

نظرات اخیر سنی صدر - این بورژوا رفرمیست دور اندیش که فکرمی کند جواب همه مسائل را آما دهد در آستین خود دارد - بوضوح ورشکستگی و درهم ریختگی همه را ه طها و سیاست های بورژواشی برای فاشیستی

ناگزیر است هر روز بطور متوسط دو میلیون بشکند نسبت با قیمت بشکه ای ۲۵ دلار به کشورهای خارجی بفروشد) ۷۷ میلیارد تومان از طریق درآمدهای عمومی یعنی مالیات و عوارض گمرکی و... و بقیه یعنی ۴۴ میلیارد تومان نیز دولت کسری بودجه خواهد داشت، که دولت این کسری را با پیداز طریق فروش اوراق بهادار ممتل قرمه ملی و یا با چاپ اسکناس های جدید تا مین بکند. از آنجا که دولت از فروش نفت ارز خارجی مثلا دلار یا مارک ویا... دریافت می کند، ضروری است که این ارز را به نحوی به یول رایج در داخل کشور یعنی ریال

- ششم بورژوازی لیبرال قوی است و خوب می داند تا زمانی که به بحران موجود اقتصادی و سیاسی پایان نبخشد نخواهد توانست سلطه خود را در قدرت سیاسی تثبیت و تحکیم نماید.
- حدت بحران موجود و خواست انقلابی توده ها باعث شده که هیئت حاکمه با آنکه "و خامت اوضاع" را درک می نماید ولی هر روز تا توان ترا زبیش در راهیک برنا معه سیاست کار ساز در پیا پیا بن بخشیدن به بحران موجود باشد.
- برای رژیم که ۸۰ درصد بودجه اش متکی به نفت می باشد، واردات کالا از خارج بمیزان ارزی که از این بابت دریافت می دارد امریست اجباری

تبدیل نماید، تا بتواند این پول را صرف امور جاری مملکتی و امور عمرانی بکند. نحوه عمل با این شکل است که خود دولت با در دست داشتن این ارزها بخشی را خود اقدام به خرید کالا از خارج کشور نموده و بقیه ارز را در داخل به تجارتی فروشد و متقابلا پول را بیج داخل می آرد. تنها دریا قت میدارد، البته تجار نیز با وارد کردن کالا از بازارهای بین المللی و با فروش آن در داخل علاوه بر پولی که به دولت برده اخته تدمقصداری نیز سود دست می آورند. بدین خود دیده می شود که گردش تبدیل نفت به ارز خارجی که در اختیار دولت قرار داده و تبدیل آن به یول رایج ایرانی که با در اختیار دولت قرار می گیرد فقط از طریق خرید کالا از کشورهای خارجی امکان وجود پیدا می نماید. بنا بر این برای رژیم که ۸۰ درصد بودجه اش متکی به نفت می باشد واردات کالا از خارج بمیزان ارزی که از این بابت دریافت داشته امریست کلا اجباری. بزبان دیگر درجا معه ما، دولت حامی سرمایه داران نه تنها با بدست ربه کشورهای خارجی بفروشد بلکه با یسد تجار را نیز به وارد نمودن کالا از خارج شویق نماید تا دولت با بدست آوردن پول رایج داخلی هزینه دستگا ههای بوروکراسی و ماشین سرکوب خود را تا مین بنماید، هم اکنون بدلیل اختلالانی کدر فروش نفت موجود آمده (ا خیرا ما در ات نفتی کشور محدودیت صف پیش بینی دولت در بودجه ۱۳۵۹ تقلیل یافته است) در نتیجه آن دولت با کسری بیش از حد بودجه روبرو می باشد این کسری بودجه پیش بینی شده قبلی در حدود ۱۲۲ میلیارد تومان یعنی متجاوزا ۴۰ درصد از کسل بودجه عمومی را تشکیل میدهد.

آمدن بر بحران حاکم درجا معه را نشان میدهد، ولسی ما حاصل صحبت ها می را که در جلسه بحث قیمت اجناس انجام داده در نوشته "روزها بر رئیس جمهور چگونه میگذرد" اینطور بیان می کند:

"... بحث بهمان نتیجه انجام میدکد بدفعات با مردم در میان گذاشته ام. مطلب ساده است، بودجه ما کسریا دده را، اگر ما نخواهیم این بودجه را تماما خرج بکنیم قیمت ها بدست بالایی رود و اگر خرج نکنیم بودجه را صرف نکنیم با دو مشکل روبرو هستیم، یکی افزایش بیکاری و یکی دیگر تورم و بنا بر این اگر بخواهیم صرف نکنیم و برای جذب تورم، کم کردن افزایش قیمت ها، واردات بکنیم اولاً ش ما طول می کشد تا سفارشات ما برسد ثانیاً با وجود ما صرفه اقتصادی کارسانی نیست. بنا بر این یک راه حل یک راه حل سیاسی است با بن معنی که با بدجوی را درست کنیم که بتوانیم از معنویت اسلامی استفاده کنیم. در افزایش تولید و در اینکه مردم بکار روتلای رغبت کنند. زیرا دکار کنند و کم مصرف کنند... و گرنه وضع اقتصادی در بنیابت مشکل خواهد بود... - انقلاب اسلامی - ۴ مرداد -

برای در میان گذاشتن این "مطلب ساده" با مردم "ضروری است نگاه به ارقام بودجه عمومی دولت در سال ۱۳۵۹ بیفکنیم، تا معلوم کرد در چگونه دولت انقلابی اینا گزیرا است به "واردات" داده، بودجه را تماما خرج بکنند و به تنها "بیکاری و یکی دیگر تورم" رشد بکنند بلکه قیمت اجناس نیز هر روز بالا - تر رفته و تولیدات صنعتی داخلی با زهم کاهش یابد در یک کلام، بحران موجود هر چه بیشتر حدت یافتند و مرضا به فقر و سیه روزی توده ها بیفزاید.

بودجه عمومی دولت در سال ۵۹ متجاوزا ۲۸۰ میلیارد تومان برآورد شده است. در این بودجه نفت مهمترین منبع درآمد را تشکیل میدهد، بطوریکه تنها ۱۶۰ میلیارد تومان یعنی ۵۰ درصد کل بودجه از طریق فروش نفت تا بد دولت می شود، (یک حساب ساده نشان میدهد که برای تا مین این مقدار درآمد، دولت

بنا بر این با توجه به گفته های بالا اثرات کاهش در آمد دولت از تقلیل فروش نفت برخلاف نظرات بشی صدر و خارج از اراده وی بوده و در شرایط فعلی ناگزیر مشکلات بزرگی را در اقتصاد جامعه که حاصل سیاست های بورژواشی و فدمردمی هیئت حاکمه نیز میباشد، تشکیل زیر بار خواهد گذاشت:

اولا - ارزش واردات کالاهای ضروری و واسطه ای (در

بقیه در صفحه ۱۲

# مشکل زحمتکشان گرانی، گرانی، سرمایه دار و تاجر عوامل گرانی

نگاهی ستازده به شعر انقلاب مشروطیت:

# آئینه زنده هنر برای توفان انقلاب (۱)

هفتاد و چهارمین سالگرد انقلاب مشروطیت، رسیده است. کمونیستها همواره خاطر زنده میسازات گذشته توده ها را، با یادآوری مبارزات انقلابی که به نا ریخ بیگانه ها و تحولات پیوسته است برای بشری آگاهانند در راه مبارزه انقلابی آئینه گرامی میدارند این مبارزات حاصل تلاش عظیم و سترگ طبقات تحت ستمی است که با صراحت و جانباوری، خواستهای طبقاتی خود را دنبال کرده اند و به این ترتیب بخشی از تاریخ تکامل جامعه را بسوی آئینه های تابناک با خون خود نوشته اند، از اینرو در زانبطه با "هنرمنا و مت"، هنر پرولتری، "بناک سرری ادبیات دوران انقلاب مشروطه هر چند در قالب طرحی فشرده، از مناسبت برخوردار خواهد بود، زیرا "هنر" آئینه گاه ما را رکیسم - لنینیسم همواره بخش جدائی ناپذیر میا رزه طبقاتی و ابزاری خلافا نه در خدمت مبارزات با احساسی و معنوی زندگی و مبارزات طبقاتی بوده است، و این حقیقت بی تردید در خصوص هنر و ادبیات عهد انقلاب مشروطیت از صحت تام برخوردار است. هنر آن دوران، چونان آئینه ای زنده بر این سر

و از این رو است که ضرورت برخورد ما رکیسم - لنینیستی به هنر دوران گذشته - و در اینجا هنر انقلاب مشروطیت - به عنوان یک ضرورت اساسی پیش رو قرار میگردد.

در واقع دیرگامی است که آموزگاران پرولتاریا این آموزش اصولی را بصورت جزئی از جنبه آگاهانسه نهفت کارگری جمع بندی نموده و در ارتباط با آن طی مبارزه ای پیگیر، انحرافات گوناگون را به شکست کشته و در جریان تاریخی مغلوب و شکست داده اند که تحت پوشش ایجاد یک هنر پرولتری "خالص" خواستار قطع پیوند مکانیکی پرولتاریا و بی توجیهی خشک نگارنده

قبل از شروع بدون هیچ گفتگویی خواهان یک بررسی ماتریالیست دیا لکتیکی از هنر دوران انقلاب مشروطیت - همچون شما مبدیده های مادی و معنوی - هستیم. درک مارکسیستی در این زمینه بر این حقیقت به عنوان یک اصل عام و فلسفی بای میفرود که همه مبدیده های معنوی و کلا شعور اجتماعی اعم از اشکال گوناگون آن چه در قالب شناخت حسی و یا شناخت علمی... با زتاب مبدیده های عینی و حیات مادی جامعه است. اما تا اینجا مسئله کلی تر از آن است که بتوان با این معیار در برابر ایده های بورژوازی مرز بندی دقیق کرد. اینکه هنر همبما به جلوه ای از شعور اجتماعی، با زتابی است از واقعیات اجتماعی، اینکه ذوق هنری و نیاز زیسته آفرینش هنر، حاصل یک سلسله از ضروریات عینی است شما حقیقت نیست، با تریا لیمتاریخی در عین حال تاکید میکنید درست از آن زمان که جامعه به سطحی

"هنر" آئینه گاه مارکسیسم لنینیسم همواره بخش جدائی ناپذیر مبارزه طبقاتی و ابزاری خلافا نه در خدمت مبارزات با احساسی و معنوی زندگی و مبارزات طبقاتی بوده است. و این حقیقت بی تردید در خصوص هنر و ادبیات عهد انقلاب مشروطیت از صحت تام برخوردار است. هنر آن دوران، چونان آئینه ای زنده بر این سر

گوناگون منقسم گشت، همه مبدیده های معنوی با نیازها و ذوق طبقات مختلف اجتماعی مبرخورد، یعنی آنکه در جوامع طبقاتی این محیط اجتماعی مشخص است که محتوا و اشکال هنر را مشروط میکند اما نه بمانا بینه نتایج کارآفرینی ارتباطی با هم، بلکه بمانا بینه فعالیت هنری معنوی از اعنای یک طبقه، که در عمده - ترین و اساسی ترین جنبه های فعالیت خلافا نه ذهنی - اش در نقش با زنگوننده احساسات، روحیات و خواست های طبقه ای مشخص در دوران مشخص ظاهر میشود.

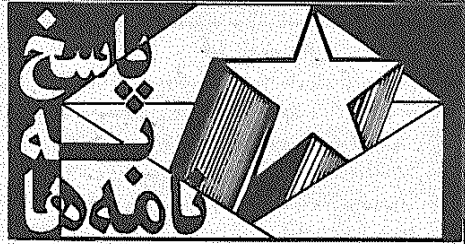
چنین اصل اساسی مارکسیستی است که با بسنه بررسی ستا بزده ما از ادبیات مشروطه با بدقتا رگیرد. مشروط بودن آفرینش هنری دوران انقلاب مشروطیت به محیط اجتماعی خاص، تنها در این رابطه توضیح داده میشود که هنر تا سیرده ظاهر رنگ عینی آن دوره را پذیرفته بلکه مهمتر از آن مضامین نوع احساسات، مسائل و درگیریهای روحی و عاطفی خواستها و آرمانها و بینش نهفته در این آثار همه و همه تنها تحت تاثیر شرایط کننده شرایط مادی و بسزه آن زمان بوده و مبرجیان بیینی طبقات مشخص و در عین حال نیازهای اجتماعی آنان را برپیشانی داردا این همان اصلی است که تا کنون در اینجا اساسا توجهی جدی به آن نشده است، و در انواع تقسیم بندیها کمی که از ادبیات دوران مشروطه صورت پذیرفته و جنبه ای آشکارا غیر علمی دارد - چون هنر تفننی، هنر غیر تفننی - کمتر نشانی از یک برخورد طبقاتی دیده میشود.

همچنین با بدگفت با همه آنکه هنر بمانا به بخشی از شناخت بشری، مجرد از عینیات اجتماعی نیست و نسبت به آن جنبه تبعی و ثانوی دارد، با این همه به عنوان یک مبدیده ذهنی متنا بیزا عینیات است و دارای پیرو سیرده و تکامل خود پیوژه است. فرضا با آنکه تکامل دانش بشری به نحو اجتناب ناپذیری از تکامل جامعه بشری تبعیت میکند لیکن در عین حال میتوان پیرو سیرده تکامل علم را به نحو مستقل مورد مطالعه قرار داد و ویژگیهای آن را در مراحل مختلف رشد و تطورش آشکار ساخت. به این ترتیب توجه به جنبه های بسزه تکامل هنر در دوران انقلاب مشروطیت بررسی و تغییر بقیه در صفحه



به هنر غیر پرولتری گذشته و جدا شتی محض از همه دستاورد های هنر بوده اند که طی تاریخ پرپیچ و خم تکامل بوجود آمده و آئینه تحولات روحی و عاطفی طبقات گوناگون بشری آید. چنین مبارزه ای علیه انحرافات ذکر شده و نشان دادن اهمیت بهره گیری و درس آموزی پرولتاریا از جنبه های انقلابی هنر گذشته، بسوی زده در دوران جنبش سوسیال دموکراسی روسیه و پس از انقلاب اکتبر به رهبری لنین کبیر، متا بیج تشویریک آرزدهای بیبا رآورد که در آئینه به آن خواهیم پرداخت و نتایج زیبایی شاسانه و زمینه فلسفی آنرا خواهیم شکافت.

اکنون که ضرورت شناخت ادبیات گذشته در اساسی ترین وجه آن و طبیعا ضرورت شناخت هنر و ادبیات دوران انقلاب مشروطه بمانا به یکی از زیر لاطلم ترین دوران هنرمین ما از زاویه مقتضیات ذهنی و آگاهانسه نهفت کارگری کموبیش آشکارا است، بهتر است توضیحی کوتاه به شیوه برخورد و بررسی خود بمانا شیم:



رفقا!

پس از باز شدن صفحه "پاسخ به نامه ها" بر تعداد نامه های رسیده افزوده شده است و ما بطریق ضوابطی که قبلاً در آن سخن گفته ایم خود را ملزم به پاسخ گوشتی در مقابل آنها می بینیم. ولی هنوز بسیاری از نامه ها امضا و همچنین تاریخ ندارند که نتوانستیم امضا را در پاسخ گوشتی دچار اشکال میسازد، بهمین لحاظ ما قادر به پاسخ آن نیستیم و باید دیگر از رفق میخواستیم که از هر طریق می توانستند نامه ها را به دست ما برسانند و امضا و تاریخ نامه را فراموش نکنند (امضا با دو حرف فارسی مشخص شود)

در این هفته به برخی نامه های رسیده که با امضا بوده است پاسخ می دهیم:  
رفیق D.B.C (دانش آموز) نامه انتقادی ات رسید موردی را که تذکره داده بودی کاملاً صحیح است ما کوشش می کنیم با فرا هم ساختن شرایط لازم این نقیصه را برطرف سازیم. (پس از این نامه ها یکتا را با حروف فارسی امضا کنید، متشکریم)

رفیق (م.س) نامه ات رسید راجع به تذکری که در مورد دا بیرون رفتگی صفحه خوانندگان داده بودی، کوشش هست که به دلیل حجم مطالب ضروری که نتوانستیم آن لطمه بیشتری به کارمان میزند و بدلیل محدودیت صفحات نشریه ما اجباراً آنرا به هفته بعد موکول می کنیم در مورد اینکه چرا مطالب پیکار دوباره ریز شده است، در حالیکه پیکار در دست خواننده بیشتری دارد، ضمن تأکید حرف شما یادآور می شویم که اگر وقت کرده باشید، پیکار از زمانی که حملات ارتجاعی رژیم به نیروهای انقلابی برای سرکوب و ایجاد محدودیت برای آنان، گسترش یافته دوباره ریز شده است، چرا که از این زمان به بعد امکان چاپی ما محدود گردیده است. ولی قبول می کنیم با این همه امکان در دست چاپ کردن مطالب وجود دارد و تلاش می کنیم با رفع اشکالات (عمدتاً تکنیکی) در اولین فرصت، تمام مویا حداقل بخشی از مطالب نشریه را در دست چاپ کنیم، پیروزی باشد!

رفیق م. اشکالی که از آن سخن گفته ای، یعنی دیرویدن پیکار به دست خوانندگان کاملاً درست و متأسفانه اشکالی است عمومی، در حال حاضر ما در تلاش هستیم که این نقیصه را که لطمه جدی به اعتبار پیکار زده و از تا ثیر آن کاسته است برطرف کنیم، این اشکال گرچه تا ما تا تکنیکی بوده و با فشارهای ارتجاع و ایجاد محدودیت های فراوان برای نشریات انقلابی و کمونیستی را بطه دارد، ولی به نوع برخورد ما به این مشکل نیز انتقاداتی وارد است، با این همه امیدواریم که این اشکالات، شما را از تلاش های بیگیرانه و انقلابی تان برای فروش و بریدن نشریه به میان توده ها باز نماند، موفق باشید!

نامه یک سر باز وظیفه

رفیق م. نامه ای که درباره اهمیت بررسی مشخص سرما به داری و بسته نوشته بودی رسید، همانطور که نوشته ای بررسی اینگونه مسائل اهمیت بسیاری دارد و ما زمان نیز در حد خود تلاش میکنیم این مسائل برخورد بیشتری نماید و در این رابطه نیروی لازم را سازمان دهد، پیروزی باشد!

رفیق سر باز وظیفه ای نامه کوتاهی برایمان فرستاده که در آن به ششستوی مغزی سر باز، درجه - داران و... توسط سازمان سیاسی - ایدئولوژیک و برخی دیگر از مسائل ارتش اشاره کرده است که قسمت های آن را میخوانید:

"... من یک سر باز وظیفه صفر هستم، هوادار سازمان پیکار رومینگ را چیزی که حقوق یک ماه من است برای شما میفرستم به امید پیروزی در راه ما بودی نظام سرما به داری!... خواستم این را بگویم... رفق در این ارتش... همین فرماندهانی که دست بوس و کسر شاه (میگفتند)... (امروز)... اسلامی (شده) و از اسلام دفاع میکنند. (آنها) میگویند آژانس استیدکتس با بخوانید و یادآور هم جمع شدن، مطالعه نشریات... براندارید... (در صورت تخلف!) نامه ای مینویسند برای ما زمان سیاسی - ایدئولوژیک و... (طبق قانون خودشان عمل میکنند) در هفته کلاسهای سیاسی - ایدئولوژیک برای سر باز و درجه داران (میگذارد) و هر چه که خسود میخواستند میگویند..."

رفیق سر باز وظیفه شما میخواستیم که با زهسم برایمان نامه بفرستید و ما را در جریان مسائل درونی ارتش بگذارید (امضا مستعربا مهرانا موش نکنید) موفق باشید!

اشعار ارسالی رفق:

پس از گذشته شدن صفحه "هنرمقاومت و هنرپرولتاری" هر هفته تعدادی از اشعار کهر رفق (خوانندگان پیکار) سروده اند به ما می رسد. ما برخی از این آثار را در شماره های گذشته پیکار آورده ایم و در نظر داریم که در مجموعه شعری که در برگیرنده آثار خوانندگان پیکار است آنها را چاپ کنیم، این مجموعه دومین مجموعه شعری است که از طرف سازمان منتشر خواهد شد، مجموعه اول تحت عنوان "پیکارگران بای در زنجیر سروده رفیق سرتوک، بهمناسبت اول ماه بهمن منتشر شد، اشعار رفق: شفق، حسن، کارگر، س. کارگر، ب. کارگر، رفیق کارگر، ت. شیریز، رفیق ام شیراز رفیق مالک، کیلان، رفیق رفیق معلم، رفیق هیوا - تبریز رفیق مهی حیدرزاده، رفیق ک. رفیق کارگر - خروشان و اشعاری دیگر بدون امضا رسیده است، از رفق میخواستیم که آثار دیگر خود را نیز با خط خوب، همراه با تاریخ و احیاناً مناسبتی که موجب سرودن یا نوشتن آن اثر شده و با امضای مستعربا برای پیکار بفرستند ضمناً رفقانی که در زمینه های دیگر هنری نظیر نمایشنامه نویسی، داستان کوتاه، طراحی، کاریکاتور عکاسی و... کار کرده اند آثار خود را برای ما بفرستند. در پایان اشعاره می کنیم که برخی از اشعار رسیده از لحاظ محتوای اشکال هنری آن ضعیف است و اگر چاپ

بقیه از صفحه ۱۲

نداوم...

شرایطی که صدور نت کماکان در وضع فعلی باقی ماند (بحدود نصف رقمی که در سال پیش بود تقلیل خواهد یافت). این امر با توجه به اینکه هم اکنون حدود ۷۰ درصد مواد اولیه کارخانجات صنعتی از خارج وارد میشود از یک طرف و کاهش تولیدات صنعتی داخلی را بیشتر دانستن زده و از طرف دیگر به علت کم شدن عرضه کسبالات در بازار رقابت اجتنابنازیم با زهم گرانتر خواهد شد. و همچنین رکود تولیدات صنعتی نرخ رشد پیکاری را با زهم بیشتر خواهد کرد.

ثانیاً - در شرایط فعلی امکان کاهش هزینه های دولتی برای رژیم موجود نمی باشد. (پس بنا بر این دولت تا گریز است اقدام به چاپ اسکناسهای جدید، خدا قل براسر کسری بودجه فعلی ننماید. وجود پیش از انداز قبول در دایره گردش در شرایط فعلی (مطابق آمار بانک مرکزی نقدینگی در آخر سال ۵۷ دو برابر سال پیش بود) و افزایش با زهم بیشتر پول در بازار و از طریق چاپ اسکناسهای جدید با توجه به تقلیل عرضه کالا در بازار، تورم پولی و بحران موجود با زهم خواهد شد. با این ترتیب در ماه های آینده با دید منتظر حدت یابی با زهم بیشتر بحران موجود یعنی بالارفتن قیمت اجناس، تورم پولی، پیکاری و رکود اقتصادی خواهد بود. مجموعه این مسائل بطور اجتنابناپذیری در ارتباط با سیاستهای بورژوازی و ضد مردمی هیئت حاکمه بوده و در آینده وضع اقتصادی بغایت مشکلی را بوجود خواهد آورد.

(\*) - رژیم از مجموع ۲۸۰ میلیارد تومان بودجه عمومی، رقم ۱۸۰ میلیارد تومان یعنی ۱/۲ آنرا صرفاً مورجاری دولت یعنی صرف نگهداری و بازسازی ماشین غسول پیکار دولتی (بوروکراسی، ارتش، ارگانهای جدید و...) می نماید. با وجودیکه دولت با "پاسکازی" ادارات و ارتش و... می تواند صرفه جویی های در این مورد بنمایند ولی از طرف دیگر با هزینه های که در دستور نظامی این در کردستان و گسترده تر نمودن ارگانهای جدید مثل سپاه پاسداران، جها و... می نماید هرگز قادر نیست هزینه مربوط به مورجاری را کاهش دهد.

بقیه بودجه نیز صرفاً مورعمرانی میگردد، که هرگونه تغییر در این رقم افزایش پیکاری را بدنبال خواهد داشت. نشاندن دلیل بی توجهی بدان نیست، در آینده کوشش خواهد کرد رهنمودهای نیز به رفقانی که چنین اشعاری را فرستاده اند بدهیم. در انتظار شما رکت هنری فعال رفقاً در خدمت به انقلاب و طبقه کارگر، دستتان را می فشاریم.

رفقا از هر طریق می توانستید که میتوانی برایمان نامه بفرستید، تاریخ و امضای مستعار نامه های تان را فراموش نکنید! به امید پیروزی راهمان!

بیدادگری "دادگاه های انقلاب" علیه انقلابیون و زحمتکشان محکوم است



بقیه از صفحه ۹ مصاحبه ...

کلیه درس های پایه ای ، ادبیات عرب ، منطق و اصول و فقه را خوانده ام (که فعلا البته برایم مهم نیست و هیچ افتخاری هم ندارد) علاوه بر این دروس رسمی ، تفسیر المیزان دروس های اصول عقایدنا ضربکارم و تفسیر های سید رضا مدرسی دروس های تفسیر آیت الله طالقانی در مسجد هدایت را که بعد ها در کتاب "بر تویی از قرآن" منتشر شد "دولایهنا" فرا گرفته ام. این بود که آنها حرفی در برابر من ندا شدند ، بعد مطالعات تخصصی ایدئولوژیک سجا هدین را تا بن خوانده و اطلاع دارم . این نکات را (هر چند جزئی و چه بسا غیر قابل ذکر است) از این لحاظ گفتم که "ایدئولوژی های جمهوری اسلامی همان حرف های ۲۵ - ۳۰ سال پیش را که در کنگه و بوسیدگی همتائی ندارد امروز در مطبوعات و رادیو تلویزیون بعنوان حرف های جدید و ناب و "علمی" بگوش جوانان میهن ما فرو می کنند! بگذرم .

من پس از آشنائی کامل باز به تدریس سخنائی گذردم - باره اسلام زده میشد و عملی مجدداً بر اساس آن برداشته و در کورگان چندین سال مبارزه انقلابی با رژیم خونخوار شاه ، مارکسیسم را پذیرفتم . تا کنده میگویم که قبول مارکسیسم از طرف امثال من نه از سبب اطلاع ایدئولوژی اسلامی بلکه دقیقاً بخاطر اطلاع از آن بود . آقای منتظری و امثال او برای راضی کردن خود و تحمیل مردم چه تفسیری از کار مارکس (و همزمان هم که برخی از آنها استاد من بودند) می توانند ارائه دهند جزیک دروغ هیئتلی ! جزیک دروغ ردیلانه ! از نوعی که نقل کرده اند و این حرفه همینگی ارتجاع علیه کمونیستهاست . آقای محمد منتظری ، موضع طبقاتی اش به از جازه نمی دهد در کنگه که رسیدن ما به حقیقت جهان شمول مارکسیسم لنینیسم که تنها ایدئولوژی راهمسانی طبقه کارگر در راه نابودی سرمایه داری و بینندگان عصر تاریخی جدیدی در حیات انسانها - یعنی سوسیالیسم است - ناسی از دست گیری انقلابی ماسوی کارگران و زحمتکشان و در مبارزه علیه امپریالیسم است . او و همپالکی های جهان را - علمبرغمانا ز آب کنین - هایمان در "خورو غلمان" خلاص می کنند . در "بهشت" شان هم بدنیال همین چیزها هستند . عقده های سالیانسان به آنها اجازه نمی دهد که چیزی جز این ببینند . آنها می که اوین زده آنقدر برت ، دروغ ، و قبحا نه و ردیلانسه است که فقط آنرا از یک ضد انقلابی تمام عیار ، از کسی

(۱) - در خا شیه ما فیه میگویم که قبل از آیت الله خبئی ، آیت الله مطهری در سال ۴۴ به ستائش ما برداشته بود درست یا دهمست جزوه ای تهیه کرده بودم راجع به روش مطالعه قرآن و آنرا با مجاهد شهید سعید محسن پیش مطهری بردیم (خاتمه اش هنوز در کورجود را در اختیار من است) مطهری چنان ناسودآوراً "امیدوارکننده" یافت که با رها اجست ، اجست گفت ، او مرا از قبل میشناخت . در سخنرانی هایش (که جاب هم شده) از فعالیتهای من تحلیل کرده بود و یادش بود که یکی از کتابهای من (علل گزایش به نا دیگری) از من ادیب و اما دها جاب کرده ام و با رها بحثها و نکالات عقیدتی اسلامی را در مدرسه مروی با او مطرح نموده بودم . در اینجا از ذکر جز خوردن هائی که با اشخاص دیگر هم سطح او داشته ام صرف نظر میکنم .

رژیم جمهوری اسلامی ، چگونه از زحمتکشان «حمایت» میکنند!



اواسط فروردین ماه ، حدود ۱۴ خانواده زحمتکشان توسط حسین بکا ئی ، یکی از نمایندگان خروما هسی (سرپرست بنیاد مسکن) از خرابه های جنوب شهر در آیارمان چند طبقه ای که در خرابان حافظ قرار دارد اسکان داده شدند . این ساختمان بیکی از سرمایه داران فزاری بنام "اشرفی" تعلق داشته و در ضمن فردی بنام (موسوی) در آن سهم است . این فرد موفق میشود بنا سازی بگیرد ، بر اساس حکم مذکور با سرمایه داران سرمایه روز بیستم مرداد ما با زور و بطور وحشیانه ای ساکنین زحمتکشان آرای بیرون ریختند ، و نمونه ای دیگر از "ما بی" رژیم استضعفین را به نمایش گذاشتند . رژیم جمهوری اسلامی که بیش از ۱۷ ماه است در یوقهای تبلیغاتی دشمن دم زحمتکشان و با بقول خودش مستضعفین میزند ، هر جا که دست رسیده در حمایت از سرمایه زحمتکشان را سرکوب کرده است ، عکس زیریکی از این خانواده ها را در حالیکه مستاصل نشسته اند ، نشان میدهد!

که دقیقاً در صف مقابله کارگران و زحمتکشان قرار دارد می توان سنجید .

سرمایه داران و خرده بورژوا های عقب مانده ، در مبارزه با کمونیستها و طبقه کارگر آنقدر بیچاره ندکه به چنین رسماً نهائی پیوسته ای چنگ میزنند . آقای منتظری و همپالکیهایش که آنها در "دما" ثلاثه " (خونهای سنگانه حین و نفاش و استخاضه) ورمال " حور و غلمان " را از رو منتهای آمال خود میداند جز گفتن این مزخرفات چه جاره؟! آنها این احفانه نیست که یک فردهما رزی از زبانه سال مبارزه می آمان ، در سال ۵۴ ، تفسیر ایدئولوژی خود و نیل به حقیقت مارکسیسم لنینیسم را آنطور که این شیخ بیخرمانه میگوید توجیه کند؟!

انقلابیون و کمونیستها در بین مردم نور آگاهی می افشانند و این برای ارتجاع بدترین ضربه است و همین دلیل است که چون سگ های جان این شیوه میافزند ، و همین دلیل است که چون سگ های جان این شیوه میافزند ، (قسمت آخر مصاحبه را در شماره بعد میخوانید)



کمکهای مالی دریافت شده

الف	۹۵۰۰	ز	۲۲۰۰	ک	۵۰۰۰
"	۲۱۹۰	"	۷۲۲۰	"	۲۲۰۰
"	۹۵۰۰	"		"	۱۰۰۰۰
ب	۸۲۰۰	ش	۲۷۰۰	گ	۱۱۸۰۰
"	۹۲۰۰	"	۶۸۰۰	"	۳۰۹۰
پ	۹۲۰۰	ص	۲۰۲۸۰۰	م	۱۰۰۰۰
ج	۱۴۲۰۰	ط	۳۰۰۰	"	۶۲۰۰
"	۹۵۰۰	"		"	۷۶۱۰
ح	۱۲۵۵۰	ع	۶۱۰۰	"	۱۲۳۰۰
"	۱۲۹۰۰	"	۲۵۰۰	"	۲۴۰۰
"	۳۰۰۰	"	۶۰۰۰	"	۴۴۱۰
خ	۱۲۹۰۰	"	۲۴۰۰	"	۱۰۰۰۰
"	۳۰۰۰	"	۹۰۰۰	"	۳۰۰۰
د	۲۲۲۰۰	"	۱۰۰۰۰	"	
"	۱۰۲۰۰	غ	۱۲۷۰۰	ن	۱۲۸۰۰
"	۵۹۰۰	"		"	۲۳۰۰
"	۱۹۲۰۰	ف	۱۶۰۰۰	ش	۱۸۰۰۰
ر	۱۸۲۰۰	"	۲۲۲۰	ک	۳۱۰۰
ک	۵۱۰۰۰	ک	۱۲۰۰۰۰		
		ک	۳۵۰۰		

- ۱ - رفیق کارگر هوادار سازمان ازبیل سیمان مبلغ ۵۰۰ ریال کمک مالی ات رسید .
- ۲ - رفیق کارگر (ارمنی) مبلغ ۱۰۰۰ ریال کمک مالی ات دریافت کردید .
- ۳ - رفقای بیک زحمتکشان جوادیه! مبلغ ۵۰۰۰ ریال کمک مالی شما رسید .
- ۴ - رفقای هوادار سازمان دریل سیمان و دولت آبا دا مبلغ ۶۰۰۰ ریال کمک مالی شما دریافت کردید .
- ۵ - رفیق (ی) کارگر شهرداری! مبلغ ۱۵۰۰ ریال کمک مالی ات رسید .
- ۶ - رفیق (ش) از اننده از تبریز ، مبلغ ۱۸۰۰ ریال کمک مالی ات دریافت کردید .
- ۷ - رفیق (ج - ش) از اننده تا کمی! هدیه ات رسید .
- ۸ - رفیق قارداش! هدیه بسیار ارزنده ات همراه با مبلغ ۲۵۰۰۰ ریال رسید .
- ۹ - رفقای هوادار سازمان در مشهد! مبلغ ۱۷۰۰۰ ریال کمک مالی شما دریافت کردید .
- ۱۰ - رفقای دانشجوی هوادار سازمان در سوئد! مبلغ ۲۰۰۰۰ ریال کمک مالی شما رسید .

رفقا ، دوستان ! چنانچه کمکهای مالی شما پس از گذشت چهار هفته در پیکار جاب نشد ، حتماً درآیین مورد تذکره دهید .

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق



# رویزونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

## رژمنندگان و

### مسئله رویزونیسم و سوسیال امپریالیسم شوروی

"انترناسیونال دوم نمیخواست برضد پورتونیسم مبارزه کند، طرفدار صلح با آن بود و برای تقویت آن امکان بوجود آورد. انترناسیونال دوم نسبت به پورتونیسم سیاست سازشکارانه در پیش گرفت و خود هم پورتونیستی شد."

(تا ریخچه حزب بلشویک، صفحه ۲۶۷)  
چرا ما علیه رویزونیسم مبارزه می کنیم؟ ما مبارزه می کنیم زیرا بدون این مبارزه نبرد علیه بورژوازی و امپریالیسم غیر ممکن است و غیر ممکن است چرا که رویزونیسم و پورتونیسم همتا به یک خط منحنی بورژوازی در مبارزه طبقاتی پرولتاریا اخلال و خرابکاری میکند و میکوشد تا این مبارزه را به کجراه و انحراف بکشد. رویزونیستها در پی آن میباشند تا از طریق به انحطاط کشاندن حزب کمونیست، طبقه کارگر و سایر طبقه های زیرین از انقلاب جلوگیری نموده و حاکمیت بورژوازی را نجات دهد و بخشد. آنان در شوروی و در عمل آگاهانه و بی وقف میکوشند تا طبقه کارگر و سایر طبقه های پدیدار بورژوازی تبدیل گردد. آری ما علیه رویزونیسم مبارزه میکنیم زیرا مخالف سرکشت سازش با رویزونیسم می باشیم. رویزونیسم با نفوذ در درون جنبش کمونیستی و سازمانهای آن در پی به تلاشی کشاندن ایدئولوژی و سیاست پرولتاری میبندد رویزونیسم در پی تبدیل شکل کمونیستی به تکلیف را موی خطر برای بورژوازی میباشد. روشی است که استعلا بر رویزونیستی - بورژوازی سازمانهای جنبش کمونیستی یکبار هم صورت نخواهد گرفت. رویزونیسم همچون خوره ای به جان تنگ کمونیستی می افتد، در ابتدا آهسته آهسته در انکال نامرئی و بیجده در درون جنبش و تشکلات آن نفوذ میکند و سپس به تعرض میپردازد اولین اقدام انحراف رویزونیستی زودن تیزی مبارزه سیاسی ایدئولوژیک علیه رویزونیسم است. انحراف رویزونیستی روحیه سازشکاری و دمناسازی با خطر رویزونیستی را بوجود می آورد و دامن میزند. رویزونیسم بر زمینه سازشکاری در برابر خطر عظیم رویزونیسم سوار میشود و با لایحه در بستری از استعمار سازشکارانه، تمکین ها، دمناسازیها و فقدان مبارزه ضد رویزونیستی پایه میگذرد، رشد میکند و غلبه مییابد. سیاست و روش سازشکارانه درقبال رویزونیسم و پورتونیسم، زمینه ساز تبدیل سازمان کمونیستی به سازمانی ضد انقلابی و رویزونیستی میباشد. حالین این سیاست سازش، روشنفکران خرده بورژوازی میباشند که تا رهای عتیکوت لیبرالیسم مغز و تفکر آنان را در چنگال خود میفشارد، روشنفکرانی که به ما رکسیسم - لنینیسم لمداده اند و شوق مبارزه ای سرکشت در راه آرمان کمونیسم آنان را به الهام نمیکشاند. در بطن تفکر آنان ایده سازش بین ایدئولوژی کمونیستی و ایدئولوژی بورژوازی نهفته است. آنان میخواهند با لیبرالیسم، بین پرولتاریا و بورژوازی پلی برقرار کنند، آنان هیچ مپایه را تیش رویزونیسم میباشند. این روشنفکران خرده بورژوا در دامن خود رویزونیسم را پرورش میدهند و زمینه انحطاط خود و سازمان کمونیستی را فراهم مینمایند. آنان از سیاست سازش با رویزونیسم به مراد ب رویزونیسم در میغلند. این سرکشت محترم هر سازمان و جریانی است که نسبت به پورتونیسم و

رویزونیسم سیاست سازشکارانه در پیش بگیرد. هر تریو یا سازمانی که با رویزونیسم سازش کند سرنجام خود به جبهه پورتونیسم و رویزونیسم در خوا هفتاید و به عامل و مجری سیاست بورژوازی ارتجاعی تبدیل خواهد شد.

به این ترتیب ما بنوبه خود علیه رویزونیسم مبارزه میکنیم زیرا مخالف سیاست سازش با رویزونیسم - نیسم میباشیم. زیرا میکوشیم تا با ساد را ستین طبقه کارگر و تنها ایدئولوژی انقلابی دوران یعنی مارکسیسم - لنینیسم باشیم، ما علیه رویزونیسم میجنگیم زیرا در پی آنیم تا از لوده شدن جنبش کمونیستی به انحرافات بورژوازی و خرده بورژوازی جلوگیری کنیم. ما علیه رویزونیسم میجنگیم زیرا میکوشیم تا طبقه کارگر را سازمان ما رکسیسم لنینیسم به تعرض همه جانبه علیه بورژوازی و ایدئولوژی او بر خاند. و جهت صرف تفرات میز قدرت سیاسی به بین رود، ما علیه رویزونیسم تعرض میکنیم زیرا میخواهیم تسامح غیبه نویسم یک نگه بان منابع بورژوازی. انیم این آموزشی است که لنین برای ما و همه کمونیستهای جهان به میراث گذاشته است.

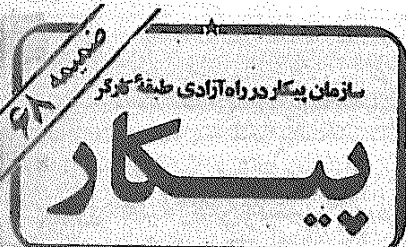
### مبارزه بیگانه در رویزونیستی باز یاد دهی

کسانی که دارای نزول در برابر رویزونیسم میباشدند و کسانی که اهمیت مبارزه ضد رویزونیستی را درک نمیکنند چه بسیار ما خرده بگیرند که ما در این برده از نبرد طبقاتی مبارزه می کنیم (؟)

جنبش کسانی نمی فهمند و یا میخواهند بجهت مبارزه جهت سرکوشی بورژوازی و امپریالیسم بطور لاینفکی با مبارزه علیه فرمیسم، پورتونیسم و رویزونیسم عین گشته است. چگونه؟ مگر نه اینکه در هم شکستن ماشین دولتی بورژوازی و سرکوشی ارتجاع و امپریالیسم از طریق یک انقلاب تهرات میز میباشند؟ مگر نه اینکه برای تحقق امر انقلاب میبایست طبقه و نوده ها را به حول ایداه انقلاب بسج و متشکل و مسلح نمود؟ مگر نه اینکه ایداه انقلاب در تضاد و عریان با سیاست فرم و سازش طبقاتی میباشد؟ مگر نه اینکه جواب تمام این پرسشها مثبت است؟ آری، با توجه به تمام این دلایل بورژوازی و امپریالیسم سرگون نمیشوند مگر بقدت انقلاب توده های که خود را از سموم و کفالت فرمیسم و رویزونیسم خلاص کرده اند. به همین خاطر بود که لنین میگفت:

"خطرناکترین افراد را اینمورد کسانی هستند که میخواهند به این نکته بی برونند که اگر مبارزه علیه امپریالیسم بطور لاینفکی با مبارزه علیه پورتونیسم توأم نباشد جز عمارت پردازی بوج و دروغ چیزی نخواهد بود" (امپریالیسم به معنای بالاترین مرحله سرمایه داری)

دروغ و فریب است اگر جریانی بگوید برای آزادی و استقلال واقعی مبارزه میکند، اما با فرمیسم و رویزونیسم میزبندی حقیقی نداشتن باشد، نبرنگ و تزویر است اگر جریانی بگوید برای درهم شکستن سلطه بورژوازی و امپریالیسم مبارزه میکند، اما با سازشکاری و پورتونیسم میزبندی روشن و انقلابی نداشتن باشد. مشی سازش و رویزونیسم ارتجاع و امپریالیسم را سرگون نمیکند، این مشی از طریق به هم فدا کشاندن



طبقه توده ها را بنا بر این نظام کهن را افرا هم بسازد. کسانی که میکوشند ما را به روی میکنیم نمیفهمند و یا نمی خواهند بفهمند که انقلاب بیروزنده فقط تحت رهبری طبقه کارگر و بر اساس یک مشی پرولتاری میسر است و تضمین این رهبری و این خط مشی تنها در مبارزه همه جانبه علیه دشمنان نکار طبقه کارگر و دشمنان آنست. تا پذیرا ایدئولوژی ما رکسیستی - لنینیستی امکان پذیرا است. بورژوازی برای اینکه از انقلاب جلوگیری نماید میکوشد تا با تعرض علیه ما رکسیسم به نفع خود کشاندن ایدئولوژیک طبقه کارگر و محروم نمودن این طبقه از مارکسیسم لنینیسم، از تحقق امر انقلاب ممانعت بعمل آورد. سلاح ایدئولوژیک بورژوازی علیه ما رکسیسم لنینیسم و رویزونیسم است. بورژوازی با استفاده از رویزونیسم میکوشد تا پرولتاریا را به انحراف و خرد شدن طبقه کارگر و ایداه انقلابی ما رکسیسم لنینیسم است. ما باید او میداند که تنها ما رکسیسم لنینیسم است که طبقه کارگر را بطور آتینی تا بدین رو آورده و ما هم علیه سیستم طبقاتی وجود خنک و ساد را دوباره همین خاطر او میکوشد از روح خط کمونیستی بستان نوده ها تا تمام فوا جلوگیری بعمل آورد. اگر اساسی بورژوازی در مقابل ما خط ما رکسیستی، رویزونیسم و امپریالیسم کندید، ما خط ما رکسیستی چیست؟

"تنها خط ما رکسیستی در جنبش کارگری جهانی این است که توده ها اجناسا تا پذیرا و لزوم برید. از پورتونیسم را توضیح دهد و آنان را برای انقلاب بوسیله کارگری یک مبارزه سخت علیه بورژونیسم آگاه نماید." (لنین - امپریالیسم و انحراف در سوسیالیسم)  
بنابر این خط ما رکسیستی طرفدار انقلاب است و دشمن ایدئولوژی بورژوازی یعنی پورتونیسم و رویزونیسم می باشد. به همین لحاظ است که بورژوازی با استفاده از رویزونیسم به جنگ پرولتاریا میبرد و پرولتاریا نیز با استفاده از مارکسیسم لنینیسم به جنگ بورژوازی میبرد. پرولتاریا میداند که انقلاب بیروزنده مندرش فقط به تکیا سوسیالیسم علمی میباشند و به همین خاطر او نمیتواند بطور مستمر علیه رویزونیسم مبارزه نکند. کسانی که میکوشند ما را به روی میکنند نمی فهمند و یا میخواهند بفهمند که بدون مبارزه ضد پورتونیستی و ضد رویزونیستی لنین کیم مارکسیسم توسط عمال بورژوازی یعنی پورتونیستهای انترناسیونال دوم مدفون گشته و دیکتاتوری پرولتاریا هرگز نمیتوانست استقرار پیدا نماید. جوالین میگفت:

"اگر پورتونیسم در جنبش طبقه کارگر ملامت نکند، نخورد، دیکتاتوری پرولتاریا نمیتواند بوجود آید" (انتخابات مجلس موسان و دیکتاتوری پرولتاریا).  
زیرا بر تفتن ها و کارگزارانی که آموزش اساسی ما رکسیسم یعنی دیکتاتوری پرولتاریا را بدست فراموشی سپرده و کارگران خیانت ورزیده بودند. آنان به دیکتاتوری و دمکراسی بورژوازی سجده کرده و دیکتاتوری پرولتاریا را سبیه شده قلمداد میکنند. مبارزه بیگانه لنین علیه انترناسیونال دوم اجازت داد تا ساد و دوباره فروغ تا بنا ک ما رکسیسم و آموزش اساسی او دوباره دیکتاتوری پرولتاریا را به مبارزه پرولتاریا را روشن سازد. و این طبقه را در راه کسب قدرت هدایت



نمایند. راه‌نشین نشان داد که راه کسب قدرت سیاسی توسط پرولتاریا از مبارزه ضدروزیونیستی میگذرد.

### مبارزه علیه روزیونیسم از مبارزه علیه سوسیال امپریالیسم جدا نیست

با توجه به تمام مسائل فوق ما این آموزش کبیر لنین را با صدای رسا اعلام میکنیم که روزیونیسم دشمن اصلی و سرخست ما رکیسم لنینیسم می باشد و به همین خاطر مبارزه بیگبیر علیه روزیونیسم در دستور همسره کمونیستهای ایران و جهان قرار دارد. مبارزه علیه خطر روزیونیسم در تمام اشکال آن یعنی روزیونیسم خروچفسکی - برژنفی، روزیونیسم چینی یا سه‌جانی، روزیونیسم تبتوئی و "کمونیسم اروپائی" مضمون اصلی مبارزه اپد ثولوزیک کمونیستها در عرصه جنبش مارکسیستی لنینیستی جهان را تشکیل میدهد. ولی مسئله‌ای که هرگز نباید فراموش کرد و در بیوندی ما مثل فوق قرار دارد، تحولات ناشی از استقرار روزیونیسم در یکسری از کشورهای می باشد عدم توجه لازم به این تحولات بنویسه خود، انحرافات متعددی را با رها خواهد آورد و استراتژی جنبش بین المللی کمونیستی را به کجراه می‌سوی خواهد داد. حاکمیت روزیونیسم در یک کشور صرفاً یک انحراف برای جنبش کمونیستی نمی باشد. بلکه این امر بطور مستقیم خطر بزرگی برای جنبش کمونیستی - کارگری جهان و جنبش خلقیها بحساب می آید. امروز غلبه و حاکمیت کامل روزیونیسم بر دستگا حزبی و دولتی شوروی منجر به آن گردیده که شوروی سوسیالیستی به شوروی سوسیالیست تبدیل شود. ما بودی سوسیالیست. دیدگاه نوری پرولتاریا در شوروی و با رگت سرمایه‌داری، ما بودی اقتصاد دوسوسیالیستی و استقرار اقتصاد امپریالیستی، شوروی امروز را به یکی از دشمنان طبقه کارگر و خلقی تبدیل نموده است. شوروی امروز دیگر تکیه‌گاه و پشتیبان پرولتاریا و خلقیهای ستمدیده نمی باشد شوروی امروز یکی از تکیه‌گاههای ضدانقلاب جهانی است. شوروی امروز در حرف سوسیالیستی و در ماهیت و جوهر خود امپریالیستی می باشد. بنا بر این شوروی سوسیال امپریالیستی امروز نه تنها دشمن جنبش کمونیستی و کارگری بین المللی می باشد بلکه همچنین دشمن استقلال و آزادی خلقیها بشمار می آید و استراتژی بین المللی پرولتاریا نمیتواند این امر اساسی را بحساب نیاورد.

بنابراین حاکمیت روزیونیسم در چین، این کشور را در صف دشمنان انقلاب و طبقه کارگر قرار داد. روزیونیستهای سه‌جانی میگویند سوسیال امپریالیسم شوروی را بعنوان تنها دشمن طبقه کارگر و خلقیهای جهان قرار داده و بر این پایه زمینه‌سازش طبقه‌نسی بسا امپریالیستهای دیگر و بورژوازی و ارتجاع بومی را فراهم می‌زند. روزیونیستهای متردجینی که بر اساس نشوری ارتجاعی "سه‌جانی" مبارزه و انقلاب اجتماعی را بطور کلی نفی کرده‌اند، امروزه وقیح ترین مبلغان سازش طبقه کارگر و خلقیها با ارتجاع و امپریالیستهای میباشند. امروز ضد انقلابیون حاکم بر چین در اتحادیه امپریالیستهای بلوک غرب خلقیها را به سازش طبقه‌نسی فرامیخواهند و بدین ترتیب دشمنی آشکار خود را بسا طبقه کارگر و توده‌ها نشان میدهند. پرواضح است تغییر ماهیت قدرت سیاسی در چین و پیوستن چین به ضد انقلاب جهانی در استراتژی بین المللی پرولتاریا تغییرات محسوس بوجود می آورد که دقیقاً باید مورد توجه قرار گیرد.

بنا بر این مرزبندی کمونیستها نمیتواند به مرز

بندی علیه روزیونیسم خروچفسکی ... محدود باشد ضروریات مبارزه طبقه کارگر و انقلاب خلقیها حکم میکنند که علیه سوسیال امپریالیسم شوروی بمتاه یکی از نیروهای امپریالیستی اردوگا هجانی دشمن نیز مرزبندی نمود. پرولتاریا باید بطور دقیق شنا سب قوای دشمنان و دوستان انقلاب را در عرصه جهانی معین نماید. هرگونه خطا و اشتباه در این زمینه ضربات مرگباری را متوجه جبهه انقلاب جهانی خواهد ساخت. ضرورت مرزبندی و مبارزه علیه سوسیال امپریالیسم شوروی از همین امر ناشی میشود. سوسیال امپریالیسم همان روزیونیسم خروچفسکی نیست. اگر روزیونیسم خروچفسکی بمتاه ارتداد کامل از مارکسیسم لنینیسم شوروی را برآورد سرمایه‌داری سوق داد، سوسیال امپریالیسم بیان استقرار سرمایه‌داری دولتی و اقتصاد امپریالیستی میباشند که در عرصه جهانی بر علیه خلقیهای تحت ستم اعمال ستمگری ملی میبرند و از طریق صدور سرمایه و تجارت با بربره غارت و جیا ول خلقیها دست میزند. شوروی امروز بمتاه یک قدرت توسعه طلب و امپریالیستی در تقسیم سرزمینهای جهان و مناطقی نفوذ می‌نماید و جویی را به خود اختصاص داده است و بدین خاطر مبارزه ضد امپریالیستی خلقیهای جهان از مبارزه علیه سوسیال امپریالیسم روسه جدا نمیشد. روزیونیستهای خروچفسکی و ارتداد حرت سوادخا و نارمان چریکیهای فدائی (اکسپت) میگویند سوسیال امپریالیسم را بدو بخش دوست خلقیهای جهان و جاسوسه، آنان حسن و احمق مناسرتند که فقط امپریالیستیهای بلوک غرب امپریالیست مسا سد و سطرین آنان میگویند حسی بوده‌ها را به انحراف نگاشته و مقام اصلی امپریالیسم آمریکا در ایران را نامقام فاشند سوسیال امپریالیسم روسه میباشند. حزب سوده‌ها سرروزیونیسمی که ملنشن و مدافعین بر دگی و اقتصاد ملی میباشند در پی آسدا جای کامپریالیسم را با امپریالیسم دیگری می‌سوی عوی کنند.

انقلاب خلقی ما یک انقلاب دیکراسک و سید امپریالیستی (و نه فقط ضد امپریالیسم آمریکا) می باشد. جهت اصلی این انقلاب متوجه ستم سرمایه‌داری و بسنه، دولت طبقه‌نسی با ساداران و امپریالیسم جهانی و بخصوص امپریالیسم خونخواهر آمریکا میباشند. پرواضح است که شوروی اگرچه دشمن عمده خلق ما نیست، ولی در جارجوب امپریالیسم جهانی جزو دشمنان خلق و انقلاب ما بشمار می آید. پرولتاریا یک طبقه انترناسیونالیست است و به همین جهت فقط علیه بخشی از امپریالیستهای مبارزه نمیکند و بطوریکه اگر ادا مه‌دهنده یک مبارزه ضد امپریالیستی تمام عیار میباشند و بنا بر این پرواضح است که طبقه کارگر در تعیین استراتژی خود در تعیین دشمنان انقلاب نمیتواند سوسیال امپریالیسم را در جبهه بین المللی دشمنان انقلاب ایران قرار ندهد. آری جنبش کمونیستی و کارگری ما نه تنها باید دارای خط کشی روشن و صریحی علیه روزیونیسم خروچفسکی ... باشد بلکه همچنین میباید دارای مرزبندی و قاطعی نسبت به سوسیال امپریالیسم باشد. لغزش و تزلزل در برابر روزیونیسم به تزلزل و گرویش در برابر سوسیال امپریالیسم می انجامد و گرویش در برابر شوروی امپریالیستی سراسری که مل را بوجود می آورد، به تحولات جنبش ایران طی چند ساله اخیر نگاه کنیم. چگونه "گروه منشعب" از سازمان چریکیهای فدائی خلق "در آبان ۵۶ به روزیونیستهای حزب توده پیوست؟ چگونه بخش اکثریت سازمان چریکیهای فدائی خلق در دوره اخیر به جبهه روزیونیستهای در غلبت؟ علت اساسی

سقوط این جریانها چه چیز دیگری جز آسنتی با روزیونیسم خروچفسکی میتوانست باشد؟ روشنفکران خرده بورژوا و ناپیگیری که به صف مارکسیستها آمده بودند، در حالیکه بدور زدن علمی از مارکسیسم و روزیونیسم قرار داشتند، با رشد مبارزه طبقه‌نسی و تحولات ناشی از آن، وحشتزده از انقلاب، صف خود را بطور روشن از مارکسیستها جدا کرده و آنقدر نه قهقرا رفتند تا با لایحه به سردار روزیونیسم در غلبت شدند. آری، روزیونیسم بر توهانات تفکرات لیبرالی، سازشکارانه و مماشات جوییهای این روشنفکران سوار شد و آنان را به راه خود بست. اگر خوب بسا دنیا و رسم متوجه می‌شویم که سازمان چریکیهای فدائی هیچگاه درک روشن و درستی از روزیونیسم نداشت. ویبسته سعی میکرد بر خط مرکز و سائرتیسم حرکت کند. خط جزئی میگویند سائرتیسم مارکسیسم و روزیونیسم بل بزند و خود با صلاح از "دوقطب جهان کمونیستی" مستقل باشد مضمون چنین سیاستی جز آسنتی با روزیونیسم چیز دیگری نمیتوانست باشد. ما بسا دنیا با رکیسم لنینیسم بودیم روزیونیسم مرزبندی داشت و بسا دنیا روزیونیسم آسنتی داشت و غلبه کمونیسم قیام نمود. خط مرکز و سائرتیسمی جزئی با خط مماشات با روزیونیسم را به دیگری جز زمینه‌ساز جیبت نفوذ کرده سرروزیونیسم سمنوا است داشته‌هاست. غلبه سرروزیونیسم بر "گروه منشعب" و بخش اکثریت سازمان چریکیها منجر به منطقی سیاست سازش در گذر شده بود. همین سیاست سازش بود که بر سطر طبقه‌نسی خود گرایش روزیونیستی را رسد و اساس جریانات را به ارداد از مارکسیسم گساده و حسن امپریالیسم روسه قرار داد. این جریانات را در خدمت سوسیال امپریالیسم روسه قرار داد. جریانات روزیونیسم به آن مواز در خدمت سوده روزیونیسم در پی وارد آوردن حرات دیکراسک و حسن کمونیستی ایران ساعاده شورآسند در تکیه‌دگی دارده‌کنند و روزیونیسم میدان دهد. رفقای "را‌ها کارگر" و برخی دیگر از سرروها می که زلزلات نیداد خطرناکی در برابر روزیونیسم و سوسیال امپریالیسم از خود نشان میدهند. "را‌ها کارگر" را آنجا که درکی علمی و انقلابی از روزیونیسم ندارد (۱)، شوروی را یک کشور "سوسیالیستی" و در راه "اردوگا سوسیالیستی" بحساب می‌آورد و در نتیجه این قدرت امپریالیستی را پشتیبان انقلاب ایران معرفی می‌نماید. سر توناسف انگیر بخش رفقا با بدست درس آموزیها شد. اگر ما نچه ایسین گرایشات روزیونیستی مبارزه قاطعانه نمود و این انحراف اپد ثولوزیک طرفدگردد سقوط حتمی خواهد بود. هر چند این سقوط بسرعت صورت نگیرد.

آنچه گفته شد پیش در آمدی بود برای طرح یک مسئله اساسی، مسئله‌ای که مسئله مورد بحث ما در اینجا است این مسئله بررسی انحراف روزیونیستی در جریان موسوم به "خط ۳" و بطور مشخص در رفقای "رزمندگان" میباشند. این انحراف بویژه خود را در تزلزل در برابر سوسیال امپریالیسم شوروی بنمایش میگذارد. سیر مواضع رفقای رزمندگان در قبالی سوسیال امپریالیسم ما را در برابر این واقعیت نشان آورد و قرار میدهد که تزلزلات روزیونیستی در این سازمان رشد نموده است که تجلی‌کنونی خود را در رفقای امپریالیستی بودن شوروی مظهر میسازد. اما چگونه؟

(۱) ادا مه‌دارد

(۲) - ما این مسئله را در نوشته خود بنام "را‌ها کارگر در برابر روزیونیسم و سوسیالیسم در قلمرو روزیونیسم" مورد نقد و بررسی قرار داده ایم (رجوع شود به ضمیمه پیکار ۵۸)